

میدهند مثل اینکه مکاتبه خصوصی در بین داشته باشند.  
**افتخار الواعظین** - بنده هم دو سوال و استیضاح کرده بودم از وزیر عدلیه و سایر وزراء و استدعا میکنم که زود جواب را اطلاع بدهند و معین فرمایند.

**رئیس** - آقای رئیس الوزراء بیغام داده اند که امشب جلسه خصوصی تقاضا دارند تمنی میکنم که آقایان تشریف نبرند دستور جلسه آتیه راپورت کمیسیون بودجه در باب تقاضای وجهی که برای حفظ الصحه شده است و بعد دیوان محاسباته مجلس يك ساعت از شب گذشته ختم شده.

### جلسه ۱۹۴

### صورت مذاکرات روز ۵ شنبه

### ۲۶ شهر ذیحجه ۱۳۲۸

مجلس دو ساعت و ربع قبل از غروب آفتاب بریاست آقای ذکاء الملک تشکیل شد.  
صورت مجلس را آقای معاضد الملک قرائت نمودند (عائین جلسه قبل) اسدالله خان، دهخدا بدون اجازه (مستشار الدوله با اجازه قانن بودند) حاج وکیل الرعایا، طباطبائی، ممتاز الدوله، لسان الحکماء، افتخار الواعظین، آقا شیخعلی شیرازی سپهبد اعظم، سردار اسعد، بموقع مقرر حاضر نشده اند.

**رئیس** - در باب صورت مجلس ملاحظاتی اگر هست بفرمائید.

**آقا شیخ علی شیرازی** - روز سه شنبه اعضاء کمیسیون عریض از صبح تا شام در مجلس بودند امروز هم همین طور در مجلس حاضر بودیم و در صورت مجلس نوشته اند که بنده یکی از اشخاصی بودم که در موقع مقرر حاضر نبودم «گفتند اشتباه شده است»

**حاج آقا** - چندی قبل راجع ببلدیه در حضور وزراء گفتگوی زیادی شد قرار شد از طرف وزارت داخله موادیکه در قانون بلدیه ناقص بنظر میآید و اسباب عدم پیشرفت مقاصد وزارت داخله هست بمجلس پیشنهاد شود پس از آنکه رأی گرفته شد بموقع اجرا بگذارند بدبختانه هر چیزیکه بهیشت وزرا بر میگردد مسکوت عنه میماند و باید بمینطور منتظر بود که يك وقت دیگر بموقع گفتگو بیاید مثل آنکه تازه در موقع گفتگو آمده است و مدتی باید مذاکره کنیم خوب است بنویسند بوزارت داخله که معجلا این مواد ناقصه قانون بلدیه را بنویسند که زودتر اینمطلب اصلاح شود.

**رئیس** - مینویسیم و یادآوری مینمائیم  
**آقا شیخ اسدالله** - يك روز بنده در باب کمیسیونها عرض کردم که هیچ راپورتی بمجلس نمی دهند اگر هم کار میکنند اطلاعی نداریم ما يك کمیسیون تفتیش مالیه انتخاب کردیم يك کمیسیون هم چهار پنجاه پیش از این انتخاب کردیم و يك راپورتی از حساب اعانه آوردند آنهم بدبختانه هیچ نتیجه گرفته نشد دوباره کمیسیون انتخاب کردیم رفتند برای تفتیش مالیه داخل در حساب اعانه شدند باز هم هر چه انتظار می کشیم از قراری که میشنویم

می گویند باز هم تمام نشده است من نمیفهم پس اگر يك حساب مالیه را بخواهند تفتیش نمایند باید چند دوره تقنینه بگذرد تا يك حساب مالیه کشیده شود و تفتیش شود اگر کمیسیون تفتیش کاری کرده اند خوب است راپورتی بمجلس بدهند تا ما هم بفهمیم

**رئیس** - يك راپورتی از اعمال خودشان داده اند داده ایم طبع و توزیع بکنند و بعرض آقایان خواهد رسید در این موقع راپورت کمیسیون بودجه بمضمون ذیل قرائت شد:

کمیسیون بودجه روز یکشنبه ۲۲ ذیحجه سه ساعت بغروب مانده بریاست آقای مرتضی قلیخان تشکیل لایحه وزارت داخله راجع بتقاضای ۲۰۰۰۰ تومان برای مخارج ساختن ابنیه برای قرائتین سواحل بحر خزر قرائت شد پس از مذاکرات لازمه چون داشتن قرائتین در سواحل بحر خزر از لوازمات و باوجود راپورت کمیسیون حفظ الصحه محل انکار نبوده کمیسیون بودجه تقاضای وزارت داخله را تصویب می نماید که بنظارت مجلس حفظ الصحه رسمی ایران مبلغ ۲۰۰۰۰ تومان به مصرف قرائتینه سواحل بحر خزر و صفحات شمالی ایران برسد.

**حاج سید ابراهیم** - آنچه در کمیسیون بودجه مذاکره شد این بود که اینوجه بمصرف ساختن قرائتین خانه ها برسد و در راپورت اینطور نوشته شده است گویا اشتباه شده.

**دکتر علیخان** - بله آقایان در نظر دارند این يك چیزی است که اول در کمیسیون حفظ الصحه مذاکره شد بعد برگشت بوزارت داخله که وزارت داخله آنرا بمجلس پیشنهاد کند و حاله عقیده بنده اینستکه آنرا راپورت بکدفه قرائت شود که معلوم شود که اینوجه فقط برای ساختن ابنیه نیست بلکه برای سایر چیزهای دیگر هم هست و علاوه بر آن باید حسابش را کاملاً بمجلس حفظ الصحه بپردازد و احتمال می رود که از این مبلغ هم کمتر خرج بشود و دیگر آنکه در اینمجلس حفظ الصحه رسمی یک نفر نماینده باید از طرف مجلس شورای ملی حاضر شود حالا اینمطلب هم مدتی است که از مجلس حفظ الصحه بوزارت داخله اخطار شده است و تا اکنون جواب صحیحی در این باب نداده اند بنده عقیده ام اینستکه هیچ ضرری شاید نداشته باشد اگر يك نفر نماینده رسمی از مجلس شورای ملی در مجلس حفظ الصحه باشد که در خرج این مصارف بطور صحیح يك مراقبتی داشته باشد اگر چه دو نفر نماینده فعلاً در مجلس حفظ الصحه یکی دکتر امیرخان و یکی شاهزاده دکتر حیدر میرزا هستند ولی آنها بسمت عضویت هستند نه بسمت نمایندگی گمان میکنم در هر حال این یک نفر هم بعنوان رسمی از طرف مجلس باشد در آنجا ضرری نداشته باشد و بعقیده بنده راپورت کمیسیون حفظ الصحه هم بکدفه خوانده شده عیبی ندارد

**افتخار الواعظین** - بنده می خواستم عرض کنم که در آن راپورتیکه حفظ الصحه داده بوده اند بمجلس فقط برای ساختن قرائتین خانه های

سواحل بحر خزر نبوده یا که برای قرائتینه نقاطی بوده که مجلس حفظ الصحه تصویب کند و در این راپورت می بینم نوشته است برای ساحل بحر خزر است و اما از بابت آن مسئله که آقای دکتر علی خان فرمودند که در حفظ الصحه تقاضا میکنم يك نفر نماینده باشد عرض میکنم که تقاضای کمیسیون داخله آمده است و از طرف هیئت رئیسه ارجاع شده بود بکمیسیون داخله و کمیسیون داخله مشغول مذاکره شد ولی چون از آن نظامنامه اطلاع نداشت و نمی دانست کی نوشته شده و این عضویکه از طرف مجلس شورای ملی در آنجا خواهد بود بچه سمت شناخته خواهد شد این بود از مجلس بوزارت داخله نوشته شد که وزارت داخله نظریات خودش را در آن نظامنامه بکنند بعد راپورت بدهد

**کاشف** - بنده قبلاً اجازه گرفته بودم و خواستم عرض کنم که اسامی اعضاء کمیسیون هائی که در جلسه سابق انتخاب شدند خوانده شود و حالا تقاضا میکنم که در موقعش خوانده شود

**آرباب کیخسرو** - بنده در باب این راپورت اول میخواستم که از مخبر محترم سوال کنم که این سواحل بحر خزری که اینجا ذکر شده عبارت از کجا هست آیا آنرا هم معین کرده اند یا اینکه مجهول است چون این مطلب هم باید معین باشد و مطلبی دیگر هم چون می بینم جنوب ایران يك قدری دور واقع شده است و نظری از راه حفظ الصحه باید بآنجا شود و این نظریات فقط به شمال شده است و آنجا را در نظر نگرفته بلکه آن جا را محروم می نماید و چندین سال است که طایفون هندوستان معرور است که در آن حدود گاهی پیدا میشود و بازمیچ نظری بطرف قرائتینه جنوب نمی شود الان وبا در کرمان گاهی در شدت گاهی در ضعف است و باز نظری بطرف جنوب نمی شود فقط عنوان بنده این بود ببینم که آیا بطرف جنوب نظری هست و بعد ما خواهد شد و شمال هم در بین شهرها و بنا در سواحل بحر خزر معین است یعنی در کدام بنا در این قرائتینه ساخته می شود این معین است یاخیر.

**شاهزاده سلیمان میرزا** - پیشنهادیکه از وزارت داخله شده فقط ۲۰۰۰۰ تومان اعتبار خواسته و فقط اینجا قید کرده است از برای ابنیه قرائتینه اما راپورتی که از حفظ الصحه همراه بود در آن شرح داده است که این مقدار از برای بنای ابنیه و سایر چیزهائی که در سرحد شمال باید ساخته شود و اما آنجا هائی که قرائتینه ساخته می شود اسم برده است انزلی و آستارا و بندر جز و مشهدسر [۴] [۵] هزار تومان هم ماشین بخار خواهند خرید و ۱۵ هزار تومان دیگر را برای بنا و دواجات و سایر لزومات خواسته اند این است آنچه که ما می خواهیم بدهیم از برای حفظ الصحه و منحصر است بطرف شمال این نقاط معین است از برای ساختن قرائتین خانه ها و سایر چیزها و **وکیل التجار** - اولاً برای قرائتین که این وجه را نوشته اند به نظر بنده خیلی عیب آمد چرا که قرائتینه ابنیه ندارد عقیده بنده اینست اگر چه در جاهای دیگر می سازند ولی عقیده بنده اینست

که در اینجا لازم نیست برای اینکه قرآنیته برای امراض مسری است که چندین سال یکدفعه سرایت می کند در حدود یک چادری یا چادر مانی اسبابی فراهم می کنند برای نگهداری از مسافرها که از آنجا عبور می کنند دوا و طبیب و اسباب خیلی لازم است ولی اینبه مخصوص دائمی نمی خواهد بود ندریده ام که بنا کنند اگر هم بسازند یک چیز خیلی مغتصری خواهد بود هر جا در موقعیکه برای قرآنیته اقدام میشود چادر میزنند و لوازم نظیف و تطهیر و پاکیزه کمی و چیزهای دیگر تهیه میشود ولی عمارت مخصوص برای ای کار عرض کردم ندیدم میخواهم ما کم کم بیایم عادت بدهیم که میخواهند بنویسند مکرر عرض کردم که از روی حساب بنویسند مثلا از برای قرآنیته سرحد شمالی یک چیزی است که میدانم چندمجلس است بنادر شمالی معین است چیزی نیست که جهول باشد و یک چیزیکه میخواهند بسازند برای چند مدت میخواهند اگر برای موقتی است چه قدر لازم دارد یا اینکه بطور دائمی میخواهند بسازند احتمال میدهم باز سهل باشد آنوقت هم بشود که دهر تبه بخواهند و حالا نیکویم این وجه زیاد است از ۲۰۰۰۰ تومان احتمال برود بیشتر خرج بشود و بنده عرض میکنم زیاد است ولی بهتر این است که درست معلوم شود و همینطور که آقایان معترم فرمودند بقیه شود آستارا و انزلی و مشهد و بندر جرجان آنوقت در سایر نقاطیکه خیلی مسافری کم وارد میشوند و بار میآید آنجا را دولت باید بدهد که در آنجا بار بندازند کم هم اتفاق می افتد آنوقت انزلی اهمیتش زیاد تر است برای او بیشتر معین میکنند جای دیگر که کمتر است همینطور که کمتر که یک میزانی افلا تخمینی برای هر جا معین باشد که از روی یک حساب انسان بتواند معین کند جای دیگر که کمتر است همینطور علاوه بر این بنده تا بدیده کم فرمایش آقای ارباب کیخسرو را از باب جنوب مکتوبه دارم از قبیل کرمان و آنطرفها میدانم که گاهی سخت بوده است آنجا ایس اگر اقدام میشود باید عمومیت داشته باشد باید همه طرف توجه بشود خواهش می کنم که کمیسیون حفظالصحه بهم جا توجه نمایند و هم خواهش می کنم که کلیه ادارات هر چیزی را می نویسند با عدد بنویسند .

**دکتر علیخان** - اول عرض کردم که خوب است راپورت حفظالصحه را قرائت نمایند که اگر قرائت میشد رفع اشکال می شد و در باب قرآنیته جنوب که مذاکره می شود و آقای ارباب فرمودند در جنوب مدتی است که قرآنیته دایر است طبیبهای صحیح هست ( اتو ) یعنی ماشینهای بخار دو سه سال است فراهم و معین شده است بیک اندازه یعنی آنچه را که ما می خواهیم در طرف شمال معین کنیم در طرف جنوب معین شده است و اینکه می فرمایند در کرمان ناخوشی سرایت کرده است معلوم نیست که از آنطرف آمده باشد ممکن است که از جاهای دیگر سرایت کرده باشد و اینکه می فرمایند در سواحل بحر خزر معین نشده است نقاطش در راپورت انجمن حفظالصحه کاملا قید نشده است که

عجالتاً يك قرآنی خانه صحیحی در انزلی ساخته شده و بعد در آستارا و بندر جرجان مختصر تر و بعد در جاهای دیگر که بالنسبه مهمتر باشد این معلوم است که جا خیلی هست که باید قرآنیته خانه ساخت و بعد برای رد کردن فرمایشات آقای وکیل التجار عرض می کنم که برای قرآنیته در سه جارم است که بناهای خیلی محکم می سازند و آنچه را که ملاحظه فرمودند برای یک چیز موقتی است والا يك چیزیکه باید دائمی باشد باید خیلی محکم ساخته شود زیرا این همیشه لازم است که در سرحدات داشته باشیم و محکم و دائمی بوده باشد که این بناها خراب نشود باید همینطور اطاقهای جدا جدا برای مردوزن و سایر طبقات مختلفه ساخته شود و حاضر باشد بترتیب صحیح طبیبها دواها و ماشینهای بخار باید آورد ولی طبیب قرآنیته همیشه باید مهیا و فراهم باشد و این ( ۲۰۰۰۰ ) تومان را که عرض کردم کمیسیون حفظالصحه اگر چه نتوانسته تحقیق صحیحی بکند و درست معین بکنند چون باید یک نفر معین شود از طرف حفظالصحه که برود برای بازدید و تعیین خود دکتر ژور حاضر شده که برود بان نقاطیکه لازم است که در آنجا باید محل ساختن این ابنیه را معین نماید و بازدید کنند که چه قدر خواهد شد عجلتاً این ( ۲۰۰۰۰ ) تومان برای ساختن ابنیه و آن دیوکه های بخار پیش بینی شده است عرض کردم حساب اینها را کلیتاً باید بوزارت مالیه بدهند عقیده بنده این است شاید این [ ۲۰۰۰۰ ] تومان تمامش اسمال خرج نشود با این پیش بینی که کمیسیون کرده است آنطوریکه کمیسیون پیشنهاد کرده بوده است ( ۱۵۰۰۰ ) تومان در سال دوم و قرآنیته در بعضی جاهای دیگر و همچنین برای سایر دواها و ماشینهاییکه لازم است اعتبار خواسته بودند آنرا کمیسیون بودجه اشاره نکرده است ( راپورت کمیسیون حفظالصحه چنانچه در نمرات قبل منصلا ذکر شده قرائت شد ) .

**سليمان ميرزا** - پیشنهادی که از وزارت داخله شده بود همین ( ۲۰۰۰۰ ) تومان است این است که کمیسیون بودجه هم تصویب کرده است .  
**معزز الملک** - بنده اساساً در باب این راپورت عرضی ندارم بجهت اینکه برای سلامتی عمومی و جلوگیری ناخوشی این ( ۲۰۰۰۰ ) تومان سهل است بیش از این هم اگر لازم میشد مضایقه نباید کرد ولی میخواستم عرض کنم این راپورت بنظر بنده از مجاری که باید سیر کنند سیر نکرده است از اینجهت ممکن است که خود همین مسئله جزئی اسباب شکست کار بشود پس از آنکه این مجلس حفظالصحه تشکیل شد و لزوم تأسیس بنا برای قرآنیته های سرحدی شمالی را لازم دانست راپورت بوزارت داخله داد و وزارت داخله هم تصویب کرد آنوقت این اعتبار را بخواد هر وقت اعتباری یا هر چیزی که احتیاج دارد از وزیر مالیه بخواد آنوقت آنوزیری که پول دست او است باید نگاه کند ببیند چه میزان میتواند و از چه راه و در چه

موقع میتواند بدهد و آیا گنجایش دارد یا ندارد پس از اینکه این مسئله را سنجید آنوقت باید از مقام مقنن بخواهد تصویب شود حالا بعضیها ممکن است تصور بکنند که مقصود بنده بواسطه جودت در ظاهر قانون است و حال اینکه اینطور نیست در ظاهر بعضی ترتیبات هست در صورتیکه هیچ نظر بنده در آن نیست ولی شاید بواسطه مهم بودن این مسئله این مسئله را فوری حساب کنیم و چشم از این مطلب بیوشیم که کلیتاً وزارتخانه ای بتواند يك اعتباری برای رفع حوائج خود بخواد بنده میترسم که يك همچو امر مهمی پس از آنکه از مقام مقنن گذشت تصویب شد تازه برود بدالیه او بگوید من پول ندارم و اینکار باین بزرگی بماند و اسباب تعطیل وقت بشود و موقع اجرا نیاید .

**دکتر علیخان** - این ایرادی را که آقای معزز الملک کرد بنده بکلی رد میکنم بجهت اینکه این اعتبار راجع است بوزارت داخله وزیر داخله بایستی این اعتبار را بخواد حالا اگر وزارت مالیه بگوید پول ندارم این يك چیز دیگری است والا مجرای قانونیش همین بوده است که وزارت داخله این اعتبار را بخواد و اگر از مجرای قانونی نبود خوب بود همان روزی که راپورت کمیسیون صحیه آمد بمجلس و بنا شد که بوزارت داخله پیشنهاد کنند همان روز اظهار میکردند و آنروز بدالیه میرفت و از آنجا میآمد و این مطلب بی اندازه لازم است اگر ایندقمهم بگذرد و تصویب نشود بنده میترسم که این چندماه هم بگذرد چون وقتی دیگر بمانی نیست و از برای مخالفت در اول بهار اقدامی نخواهد شد و هیچگونه جلوگیری از این ناخوشی نشود آنوقت اسباب زحمت خواهد شد بنده تقاضا میکنم که در این خصوصیات مذاکره نشود و زودتر رای گرفته شود  
**رئیس** - گویا مذاکره کافی باشد .

**وحید الملک** - خیر کافی نیست .  
**فهیوم الملک** - ایرادیکه آقای معزز الملک کرد اساساً صحیح است ولی اهمیت موقع باندازه ای است که باید از بعضی خصوصیات صرف نظر کرد یعنی همانطور که مجلس را واداشت هر يك کمیسیون مخصوص انتخاب کرد و چون کمیسیون مرکب بود از اشخاصی که متخصصین اینکار بودند و نهایت دقت را نمودند و میدانستند چه مایه ای هم از حیث سلامتی وهم از حیث حفظالصحه و هم از حیثیات دیگر موجود است و باید اقدام در اینکار بشود و لزوم يك قرآنیته در جنوب ایراد از برای اعمال گذاشتن قرآنیته در شمال نمی شود در این باب هم باید اقدامی بشود که وزارت داخله با تصویب مجلس حفظالصحه بمجلس پیشنهاد کند و اعتبار بخواند حالا این را نوشته اند و خواسته اند این را لابد در جزو بودجه هذالسنه خواهند گذاشت و در بودجه سنه آتی خواهند گذارد و مقدار دیگرش را در آتی باید بگیرند و بنده تصور می کنم کمیسیون حفظالصحه هم که در مجلس بود دایر باشد دیگر راپورتی هم همیشه از اینکار به آن کمیسیون بدهند تا اینکه مجلس هم از ترتیب کار مطلع باشد زیرا

همان اهمیتی که وادار کرد مجلس را برای انتخاب آن کمیسیون همان اهمیت باقی باشد که مجلس دنبال کند و تمام شود باید نظر مجلس در این مطلب باشد که اینکار انجام بگیرد و بنظر بنده این اعتباری را که وزارت داخله خواست با و داده شود که متدرجاً ابنیه ای که لازم است بنا شود و اسبابهاییکه لازم است فراهم کنند کمیسیون حفظالصحه همیشه باید در هر هفته در اینجا دائر باشد راپورت اقدامات خود را ارائه بدهد

**لسان الحکماء** - همه مطالب تقریباً گفته شد چیزی که خاطر ما را مشوش داشته آن این امراض بوده که امروز در طرف شمال است و اگر در جنوب هم هست کمیسیون حفظالصحه لزوم آنرا تحقیق خواهد کرد ولیکن این مسئله که عرض شد این يك چیز است که ( اتو ) یا حمام میخوانند و کمیسیون حفظالصحه میگویند يك چیز است که باید خرید شود و هر که اقدام از اینها با ما بایزم آن ده هزار فرانک قیمت دارد که یکو اول در انزلی بگنارند و یکی در بندر جرجان و آستارا آنوقت تقریباً قیمت این ( اتوها ) و حمام ها چهار پنج هزار تومان خواهد بود که باید آن اشخاصی که اینجا وارد میشوند در مدت پنجروز تقریباً در قرآنیته خانه باید بمانند اول باید داخل آن حمامها بشوند و بعد در اطاقهای مخصوصی میروند سه اطاق برای [ اتوها ] که تازه وارد میشود لازم است فرض این است که مقداری از آنجا راپورتی اینبه گذاشته اند تا آنکه تقریباً يك اطمینانی حاصل شود مقصود این بود که هفت هشت هزار تومان صرف قیمت [ اتوها ] وغیره خواهد شد و باقی برای ابنیه است که شاید قدری کمتر یا زیادتر خرج بشود عقیده بنده اینست که با کمال تفتیش و دقت بموقع اجرا گذاشته خواهد شد و هیچ ضرری نخواهد داشت

**رئیس** - رای میگیریم برای راپورت کمیسیون بودجه که تصویب کرده است اعتبار بیست هزار تومان را برای امور حفظالصحه بنادر شمال

**معاضد الملک** - اینجا در اخذ رای مرض میکنم چون راپورت کمیسیون بودجه اعتبارش قدری ناقص است بنده تقاضا میکنم که رای گرفته شود بر راپورت کمیسیون حفظالصحه بطریقی که شرح داده اند که این مبلغ داده میشود بداخله از برای مصارف ابنیه و خرید اتوها و بعضی چیزهای دیگر  
**دکتر امیرخان** - عقیده بنده این است که مذاکرات کافی است توضیحات را آقای دکتر علی خان و لسان الحکماء دادند فقط یاد آوری میکنم که تسامح کار در امر حفظالصحه در روابط گذشته ۳۰ هزار نفوس از تهران تهااتف کرده

**حاج آقا** - بنده در باب این راپورت نمی خواستم عرض کنم که دو کلمه در اینجا نوشته شود بعد از توضیحاتی که معجز محترم کمیسیون حفظالصحه بیان کردند دیدم واقماً از یک نظر پلایکی بزرگ صرف نظر کرده اند یعنی بجز از جواب رفیع بد گردید بنده عرض می کنم وقتی که از مجلس حفظالصحه یا وزارت داخله نظر بحفظالصحه عمومی دارد يك چیزیکه تقاضا میشود باید نظر بتمام مملکت داشته باشد ولو اینکه نسبت به بعضی از نقاط سرایتش

شدیدتر باشد ولی در مقام شروع از يك نقطه ای که اهمیتش زیاد تر است بشود و در سایر نقاط بانتها و انعام برسد می بینیم ابدأ کسانی که در این مقامات جزء شوره ستند در این خیال نیستند و این نظر کلی را فراموش می کنند و در نظر نمی گیرند آنوقت مخصوصاً در راپورت خودشان وهم چنین در لایحه ای که از طرف وزارت داخله پیشنهاد می شود می بینیم که نوشته می شود ۲۰ هزار تومان برای قرآنیته سرحدات شمال وقتی که سؤال از طرف جنوب می شود می فرمایند که در طرف جنوب ترتیبات حفظالصحه مرتب بود ما نخواستیم عنوانی از طرف جنوب بکنیم و حال آنکه اگر درست ملتفت و مطلع بودند این اظهار نباشد چرا برای اینکه در تمام نقاط طرف جنوب جائی که يك ترتیب حفظالصحه و قرآنیته ای که بتوان گفت قرآنیته است نیست بلکه يك ترتیبی در طرف بوشهر هست در يك جزیره ای که هیچ مسکونی نیست و يك جماعتی از اهراب هستند در آنجا هر مسافر وزواریکه وارد می شود او را می برند در آن جزیره در صورتی که خود آنجزیره مولودها است ابدأ آن نقاط را ملتفت نیستند و می گویند ترتیب قرآنیته در جنوب هست ولی بنا در فارس بواسطه اینکه عثمانها در سرحد بصره يك قرآنیته دائمی دارند بواسطه آنمواد طماعونیکه از هندوستان بتوسط جهاز حمل می شود بطرف آنجا خیلی لازم است که باهم بیک قرآنیته صحیحی داشته باشیم بنده تصور می کنم که يك همچو لایحه ای که بمجلس بیاید ما نتوانیم رای بگیریم از برای يك نقطه مخصوصی بعد از اینکه ما نظر حفظالصحه بتمام نقاط داریم آنوقت باید رای بگیریم برای حفظالصحه مملکتی که اول ازهر جائیکه مهم است از آنجا شروع کنند تا بجا های دیگری که لازم است و اگر در ضمن هم يك مبلغی زیادتر لازم باشد باز پیشنهاد میکنند بمجلس شورای ملی در سایر چیزهائی که آقایان فرمایش فرمودند بنده هیچ عرضی نمی کنم ولی این نکته را در نظر بگیرند و واقماً بدانند که تمام این بدبختی که در جنوب است و اسباب زحمت دولت و ملت شده تمام ناشی از این بی اعتنائی هائی بود که از اول تا آخر نسبت بامور جنوب شده است از آنها است که دولت و ملت بآنطرف متوجه نبوده و اگر وظیفه حفظ وطنی خودشانرا نمی دانند باز اینجهت بوده است که توجهی بآنها نشده است و آنها را در تحت ترتیب نباورده اند و بنده الان اینجا عرض می کنم که واقماً با النسبه بتمام نقاط جنوب ایران کمال ظلم شده است بواسطه آن ترتیبات اولیه که مجلس شورای ملی و بعضی از نمایندگان پیش گرفته اند و اگر هم کسی هست از اوضاع خبری ندارد و بنده امروز بنام ملت فارس عرض می کنم هر چیزیکه نظر بمصالح عمومی مملکت است باید تمهید و بسط بدهند که بتمام نقاط منظور شود از جمله همین مسئله قرآنیته است .

**دکتر علیخان** - این که در مجلس کمیسویی معین نمیکند از چند نفر بخصوصی انتخاب نمود برای این که آن کمیسیون طرف اعتماد

**دکتر علیخان** - این که در مجلس کمیسویی معین نمیکند از چند نفر بخصوصی انتخاب نمود برای این که آن کمیسیون طرف اعتماد

تمام اهل مجلس باشد که تصور بکنند که کمیسیون آنچه لازم است دقت کرده است و تصور نکنند که کمیسیون هیچ توجه و دقت نکرده است و فقط در آن نقطه که راپورت داده است گفتگو کرده است و ابدأ نظری بجسائی دیگر نداشته خیر بنده بجای عرض میکنم که کمیسیون بتمام نقاطی که قرآنیته لازم داشته باشد نظر کرده است و اعضای کمیسیون در تمام نقاطی که شما قرآنیته لازم دارید گفتگو و مذاکره کرده اند چندین جلسه صحبت شده اینک در جواب ارباب کیخسرو مختصراً عرض کردم علتی داشت و همانطور که عرض کردم باز هم تکرار می کنم که الان در جنوب يك مختصر چیزی هست و بعد باید آنرا تکمیل کرد و انشاء الله تکمیل هم خواهد شد و باز هم عرض می کنم که این جائیکه محل توجه است و فوریت دارد همینجا نیست که کمیسیون بشما پیشنهاد کرده است شما اگر خیلی دلتان برای وطن می سوزد آنجائی را که از هر جهه مغایره بشما روی کرده است ملتفت شوید و اینجا رای بدهید که قرآنیته بگذارند بعد هم ممکن است که مجلس حفظالصحه بشنوند و پیشنهاد بکنند و مبالغه گزاف را شما باید رای بدهید که بقرآنیته های سرحدی مصرف شود و خواهید رای داد و مصرف هم خواهد شد و اینکه برای قرآنیته های شمال این مبلغ را خواستیم برای اینست که اهمیت دارد و باید تصویب بفرمائید و خواهش می کنم بیش از این دیگر مذاکره نشود که هر چه زودتر بگذرد و کمیسیون تمام دقت هائی که تصور بفرمائید کرده است و باید اینجا را اقدام بر همه داشت و امروز در اینخصوص باید رای گرفت .

**محمد شاه میرزا** - بنده عرض می کنم کلیه آقایانی که میفرمایند مذاکره کافی است آقای رئیس اگر بآنها اجازه میدهد هشت مرتبه حرف میزنند کسی می تواند بگوید که مذاکره کافی است که خودش اقل حرف زند و اینجا که در این نظریاتی که برای ما پیدا شده است و رای دادیم برای تشکیل کمیسیون حفظالصحه و آن چیزی هم که سبب شد ما را که در بودجه تصویب کردیم این هیچ فرق نمی کند برای ما در خراسان جلفا و نقاط سرحدی چون فرمودند تمام نقاط را ملاحظه کرده ایم باینجهت بود و بنده عرض می کنم چه ملاحظه کرده اند که برای باجگیران حدود خراسان معین نکرده اند و حال آنکه تمام احتمالات خطرانی که نسبت بجاهای دیگر میدهند در آنها هم هست عقیده بنده اینست که باید این ترتیب عمومیت داشته باشد .

**دکتر علیخان** - ناعصری این گفتگوها طول خواهد کشید و نتیجه نخواهد داد عرض کردم برای تمام نقاط و جاهائی که لازم است قرآنیته گفتگو و مذاکره شده است ولی اینجا نمی توانست که کمیسیون بیاید از شما دوست هزار تومان اعتبار بخواد شما هم نمی دادید و از حالا تا اول بهار اگر اقدام نکنیم اول بهار نخواهیم توانست اقدام کرد حالا این مطلب را شما رای بدهید و در آنجا این اقدام بشود آنوقت يك هفته

دیگر کمیسیون حاضر است برای هر نقطه کوچکی که شماییش بینی کنید که چه مقدار لازم است.

رئیس - حالا رای میگیریم کسانیکه تصویب میکنند اعتبار ۲۰ هزار تومان را برای مصارف فراترینه های سرحدی شمال ورقه سفید بیندازند.

و حیدرالملک - در این رای سئوالی دارم که محل این ۲۰ هزار تومان از کجا خواهد بود ما رای دادیم در اینجا این مبلغ از کجا داده خواهد شد این کم پولی نیست ۲۰ هزار تومان پول است.

رئیس - در مقابل هر یک از مخارج دولتی که یک مجلس معین نمی شود کرد وزارت مالیه تهیه خواهد کرد (ورقه رای توزیع و اخذ گردید)

معاضدالملک - عده نمایندگان ۷۶ ورقه سفید علامت قبول ۶۷ رای ورقه آبی ندارد امتناع ۹.

رئیس - ۲۰ هزار تومان اعتبار با اکثریت تصویب شد.

اسامی تصویب کنندگان: سردار اسعد، دهخوارقانی، آدینه محمد خان، معتمدالتجار، محمد هاشم میرزا، دکتر امیرخان، آقا میرزا محمد نجات، حیدر سیرزا، خیابانی، آقا میرزا یانس، امام جمعه، حاج مصدق الممالک، آقا شیخ شیرازی، دکتر اسماعیل خان، انتظام الحکماء، معاضد السلطنه، مؤمن الملک، آقا میرزا ابراهیم قی، آقا شیخ ابراهیم زنجانی، حسنعلی خان، معزز الملک، رکن الممالک، لسان الحکماء، خراسانی، صدر الدماء، آقا سید کاویل، علی زاده، منتصر السلطان ابوالقاسم میرزا، آقا میرزا رضای مستوفی، آقا شیخ اسدالله، آقا محمد میر و جردی، بهجت، افتخار الواعظین، طباطبائی، ارباب کبیر و مستشار الدوله، ممتاز الدوله، مشیر حضور، دکتر رضا خان، مشیر الدوله، آقا سید محمد باقر ادیب، آقا سید ابراهیم، حاج عز الممالک، نجم آبادی، آقا سید عبدالحسین، مبین الرعایا، ضیا الممالک، دکتر علی خان، سلیمان میرزا، مؤمن السلطنه، معاضد الملک، حاج میرزا رضا خان، حاج سید نصرالله، آقا میرزا ابراهیم خان، آقا میرزا مرتضی قلیخان، ذکا الملک آقا میرزا داودخان، فهیم الملک، مشیر و دی، آقا شیخ حسین یزدی.

کاشف - عجباً! چون مذاکرات زیاد شد راجع باین ۲۰ هزار تومان و ملاحظاتی که آقایان اظهار کردند خصوصاً غیر محترم کمیسیون حفظ الصبح لازم شد که این چند کلمه را یاد آوری کنیم و خاطر آقایان اعضاء کمیسیون حفظ الصبح را حایب باین نکته بنمایم که تمام ملاحظات و مذاکراتی که مکرر در سایر جاها نمودند در حدود در استان هم ملاحظه نمایند زیرا اگر آقایان خوب دقت فرمایند در تابستان گذشته ناخوشی در خراسان سرایت کرد از طرف روسیه و جمعی هم از ناخوشی تلف شدند اگر چه مذاکرات جنوب که شدیدتر لازم نیست در این خصوص اظهاری کنیم ولی لازم است که یک توجهی بجمود خراسان بشود زیرا در مقابل این ۲۰ هزار تومان که تصویب شد اگر اقدامی در خراسان نشود بکلی این زحمات بیفایده خواهد بود در این موقع

شروع بقانون دیوان محاسبات گردید.

فصل ۶ - ماده ۶ وزیر بمضمون ذیل تراثت شده: ماده ۶ - دیوان محاسبات بنا به تقاضای که دارد حسابهای خزانه داران و تحصیل داران تحویل خانه های دولتی و کار گذاران دیوان را که مأمور دریافت و پرداخت و محافظه و استعمال وجوه دولتی هستند و یا متصدی اموال واجتاس دیوانینند رسیدگی و حکومت مینمایند و کذا لک حسابهای تحویل داران و مأمورین سایر ادارات دولتی را رسیدگی نموده حکم مینمایند (کمیسیون اینطور پیشنهاد کرده بود)

ماده ۸ - کمیسیون - از فصل پنجم دیوان محاسبات درباره حسابهای صاحبان جمع نقدی دولت واجتاسیکه در حکم بود است و حساب کار گذاران دیوانیکه مأمور یا متصدی دریافتی و پرداخت و محافظه و جزوه دولتی هستند رسیده گی کرده و حکم میدهند و نیز در باره حسابهای خزانه داران و مأمورین سایر تأسیسات عمومی که رسیدگی آنرا قانون محول بدیوان محاسبات کرده باشد حکم خواهد داد نسبت به حسابهای صاحبان جمع اموال دولت رسیدگی کرده و تصدیق میدهند.

حاج سید ابراهیم - اینجا این عبارت دارد که اجناسیکه در حکم نفوذ است ظاهر این اینستکه مقصود از این جمله وجه نقد است غله را شامل نمیشود بجهت اینکه آنرا عرفاً نقد نمیگویند پس همانطوریکه در پیشنهاد وزیر است صاحبان نقدی و جنسی قید بشود بهتر است.

رئیس - رای میگیریم بر ماده ۸ بطوری که خوانده شد کسانیکه موافقت قیام نمایند (با اکثریت تصویب شد).

ماده ۷ - پیشنهاد وزیر - دیوان محاسبات هم بدایتاً هم استیفاء در مورد حساب های مذکور در حکومت و تقاضای می نماید.

ماده ۹ - کمیسیون - ملاحظه که دیوان محاسبات در مورد حسابهای مذکور بدون استیفاء خواهد بود بهتر است.

فهیم الملک - اینجا اگر بنویسند احکام دیوان محاسبات در مورد حسابهای مذکور بدون استیفاء خواهد بود.

رئیس - رای میگیریم بر ماده ۸ بطوری که خوانده شد کسانیکه موافقت قیام نمایند (با اکثریت تصویب شد).

ماده ۸ - کمیسیون - از فصل پنجم دیوان محاسبات درباره حسابهای صاحبان جمع نقدی دولت واجتاسیکه در حکم بود است و حساب کار گذاران دیوانیکه مأمور یا متصدی دریافتی و پرداخت و محافظه و جزوه دولتی هستند رسیده گی کرده و حکم میدهند و نیز در باره حسابهای خزانه داران و مأمورین سایر تأسیسات عمومی که رسیدگی آنرا قانون محول بدیوان محاسبات کرده باشد حکم خواهد داد نسبت به حسابهای صاحبان جمع اموال دولت رسیدگی کرده و تصدیق میدهند.

وکیل التجار - بنده گمان می کنم که صاحبان جمع باید صورت حسابهای خودشان را بوزارت مالیه بدهند و از طرف وزارت مالیه بدیوان محاسبات فرستاده شود و قبل از اینکه صورت حساب بوزارت مالیه رفته باشد دیوان محاسبات نمی تواند بخواهد بواسطه اینکه طرف با آنها وزارت مالیه است وقتی که آنها صورت حساب خودشان را بوزارت مالیه دادند از آنجا بدیوان محاسبات می آید و اینجا می نویسند که صاحبان جمع باید صورت حساب های خودشان را بدیوان محاسبات بدهند و این گمان نمیکنم صحیح باشد.

فهیم الملک - این یک ترتیب کلی است که در این ماده ذکر میشود حالا در فصول محاسبات ترتیب کلیه محاسبات ذکر خواهد شد که حسابهایی هست که باید صاحب جمع بنویسد اما در مورد خودش بدهد و چنانچه در مواد قبل هم ذکر شد صاحب جمع باید قریب آنچه بوزارت مالیه میدهد یک صورتی هم بدیوان محاسبات بدهد و این مطلبی را هم که آقای حاج سید ابراهیم فرمودند عیب ندارد قید شود.

کاشف - بنده می خواستم از آقای مغیر سئوال کنم اینکه در مواد لفظ باید می نویسند مثلا در همین ماده که می نویسند صاحبان جمع باید تا دو ماه از سال گذشته صورت حسابهای خودشان را بدیوان محاسبات بدهند دیگر در صورتی که تسلیم نکرده اند کمیسیون هیچ نظریاتی ندارد که چه خواهد شد و مجازاتی هم برایش معین نکردند.

فهیم الملک - مواد بعد را ملاحظه فرمایند معین شده است - عبارت هم اینطور اصلاح شود باید صورت حسابهای خودشان را تا دو ماه بعد از ختم سنه مالیه بدیوان محاسبات تسلیم نمایند باین اصلاح مجدداً ماده مزبور خوانده شد.

معاضد الملک - بعقیده بنده اگر اینطور نوشته شود بهتر است - صاحبان جمع و مأمورین مذکور در ماده ۸ باید صورت حسابهای خودشان را در آخر هر سنه مالیه تا دو ماه از سال گذشته بدیوان محاسبات تسلیم نمایند.

مقصد الملک - حسابهایی را که می فرستند

راجح سنه مالیه است پس بهتر اینست که اینطور نوشته شود باید صورت حسابهای هر سنه مالیه را تا دو ماه از سال گذشته بدیوان محاسبات بدهند مجدداً ماده مزبوره بطریق ذیل اصلاح و تراثت شد: صاحبان جمع و مأمورین مذکور در ماده ۸ باید صورت حسابهای خودشان را پس از ختم سنه مالیه تا دو ماه از سال گذشته به دیوان محاسبات تسلیم نمایند.

رئیس - رای میگیریم بر این ماده بطرفی که اصلاح شده است کسانیکه موافقت قیام نمایند (اغلب قیام کردند و با اکثریت تصویب شد).

ماده ۹ - پیشنهاد وزیر - رئیس کل مدعی العموم مواظب خواهند بود که صاحبان جمع در موقع مقرر حسابهای خود را تسلیم دیوان محاسبات نمایند - علیهذا مدعی العموم صورتی از حسابهایی که باید معاینه شود مرتب کرده بدیوان محاسبات می دهد و هر یک از صاحبان جمع که در ظرف مدت مقرر حساب خود را تسلیم نکنند مدعی العموم مراتب را به مجلس عمومی اظهار و مجازات او را درخواست خواهد کرد و رئیس کل دیوان محاسبات هم دارای همین حق خواهد بود.

ماده ۱۰ - در صورت تأخیر پیشنهاد حساب دیوان محاسبات صاحب جمع را احضار کرده و برای ارائه اسناد و فرستادن صورت حساب مدنی بناو مهلت میدهند که در رأس آمدت حساب خود را تسلیم دیوان محاسبات نمایند. کمیسیون دو ماده مزبوره را در ضمن یک ماده بعبارت ذیل پیشنهاد کرده بود ماده ۱۱ در موارد ذیل دیوان محاسبات رأساً حکم به تسلیم صورت حساب خواهد کرد (۱) در صورتی که در موعود معینه صاحب جمع صورت حساب را تسلیم نکرده باشد (۲) در موقع انفصال صاحب جمعی از مأموریت خود (۳) وقتی که در یکی از ادارات تشخیص داده می شود که در صندوق صاحب جمعی کسری پیدا شده است در هر یک از این سه موقع مدتی که باید در ظرف آن صورت حساب تسلیم شود در حکم محاسبات معین خواهد شد و حکم مذکور با اهتمام مدعی العموم و بتوسط اداره متبوعه صاحب جمع بشارت الیه ابلاغ می شود.

رئیس - پس رای میگیریم در این ماده بطوری که کمیسیون پیشنهاد کرده است کسانیکه تصویب می کنند قیام نمایند (اغلب قیام کردند و تصویب شد)

ماده ۱۱ - پیشنهاد وزیر - هر گاه مدتی که از طرف دیوان محاسبات معین شده منقضی شود و صاحب جمع حضور بهم نرساند دیوان محاسبات می تواند او را بجزم تأخیر محکوم بیک جزاء نقدی نماید که از نصف موجب و مدد معاش سالیانه او متجاوز نباشد اگر صاحب جمع مذکور دارای موجب و مدد معاش نباشد دیوان محاسبات می تواند او را بتأدیه مبلغی که متجاوز از پانصد تومان نباشد محکوم سازد و نیز می تواند نسبت با اهمیت موقع از وزارت متبوعه او انفصال موقتی یا عزل دائمی او را بخواهد در صورتی که آن صاحب جمع در امتناع از ارائه

حسابهای خود اصرار کند بموجب حکم دیوان محاسبات و اقامه دعوی مدعی العموم قهر آن محکوم بارانه حساب شده بعد از رؤیت و رسیدگی علاوه بر مجازاتهای سابقه مخارج این عمل نیز بعهد مشارالیه تعمیم می شود. کمیسیون این قسم پیشنهاد کرده بود.

ماده ۱۲ - هر گاه مدتی که از طرف دیوان محاسبات معین شده منقضی شود و صاحب جمع مزبور صورت حساب را تسلیم ننماید دیوان محاسبات می تواند بجزم این تأخیر او را محکوم بیک جزای نقدی نماید که از نصف موجب و مدد معاش سالیانه او متجاوز نباشد و نیز می تواند نسبت با اهمیت موقع از وزارت متبوعه او انفصال موقتی یا عزل دائمی او را بخواهد در صورتی که آن صاحب جمع در امتناع از ارائه

حسابهای خود اصرار کند بموجب حکم دیوان محاسبات و اقامه دعوی مدعی العموم قهر آن محکوم بارانه حساب شده بعد از رؤیت و رسیدگی علاوه بر مجازاتهای سابقه مخارج این عمل نیز بعهد مشارالیه تعمیم می شود. کمیسیون این قسم پیشنهاد کرده بود.

حسابهای خود اصرار کند بموجب حکم دیوان محاسبات و اقامه دعوی مدعی العموم قهر آن محکوم بارانه حساب شده بعد از رؤیت و رسیدگی علاوه بر مجازاتهای سابقه مخارج این عمل نیز بعهد مشارالیه تعمیم می شود. کمیسیون این قسم پیشنهاد کرده بود.

ماده ۱۲ - هر گاه مدتی که از طرف دیوان محاسبات معین شده منقضی شود و صاحب جمع مزبور صورت حساب را تسلیم ننماید دیوان محاسبات می تواند بجزم این تأخیر او را محکوم بیک جزای نقدی نماید که از نصف موجب و مدد معاش سالیانه او متجاوز نباشد و نیز می تواند نسبت با اهمیت موقع از وزارت متبوعه او انفصال موقتی یا عزل دائمی او را بخواهد در صورتی که آن صاحب جمع در امتناع از ارائه

حسابهای خود اصرار کند بموجب حکم دیوان محاسبات و اقامه دعوی مدعی العموم قهر آن محکوم بارانه حساب شده بعد از رؤیت و رسیدگی علاوه بر مجازاتهای سابقه مخارج این عمل نیز بعهد مشارالیه تعمیم می شود. کمیسیون این قسم پیشنهاد کرده بود.

فهیم الملک - چون مقصود این نیست که از طرف وزارت مالیه شده باشد از این جهت مخصوصاً اسم برده نشده است چون ممکن است که اینصورت را از اداره محلی آن صاحب جمع بخواهند و ممکن است که کار جاهای دیگر هم بخواهند و اینکه نوشته شده است در صورتی که صاحب جمع موجب نداشته باشد محکوم بدادن یک مبلغی خواهد شد. برای اینست که وزارت مالیه یا دیوان محاسبات در موقع رسیدگی آنچه را که راجع بخودشان است میتوانند توقیف کنند والا نمیتوانند که حقوق اداری او را از او بگیرند از این جهت اینطور نوشته شده است.

حاج امام جمعه - این سه فقره مجازاتی که برای صاحب جمع در صورت تخلف معین شده است اما انفصال موقتی خیلی خوب است اما عزل دائمی و قطع نصف حقوق باز برای آنها میشود یک محلی قرار داد اما آن پانصد تومان جرم را که نوشته اند بهیچوجه نمیشود وجه صحتی برای آن تصور کرد و محل صحیحی برای آن قرارداد.

فهیم الملک - اینجا همانطوری که ملاحظه فرموده اند نوشته شده است که اگر حقوقی دارد نسبت با اهمیت موقع نصف حقوق او کسر میشود و اگر حقوق ندارد بدادن یک مبلغی که زیادتر از پانصد تومان نشود محکوم میشود والا فرض این نیست که در یک موقع پانصد تومان از یک صاحب جمعی بگیرند.

حاج امام جمعه - این بنده عرض کردم برای اینست که جرم ولو بیکتومان یا پنجقران هم باشد نمی شود وجه صحتی برای آن تصور کرد اما آنچه که قطع نصف حقوق او باشد باز یک چیزی است و میشود یک محلی و یک وجه صحتی برای آن قرارداد ولی این بهیچوجه صحیح نیست از این جهت اعتقاد بنده اینستکه این ماده برگردد بکمیسیون که در آنجا بیک ترتیبی که وجه صحت داشته باشد این مطلب را درست کنند و بعد بیآورند به مجلس.

حاج آقا - بنده اولاً در این عبارت که نوشته شده است « این تنبیهات با شرایط و نظارت ریاستی که ادارات دولتی نسبت بمأمورین خود دارند منافات نخواهد داشت » اگر چه مقصود از این جمله نظر بیک نکته است که رفع توهم منافات را که تصور می شود بنمایند ولی چون معترضه است از این جهت میخواستم عرض کنم این عبارت را از اینجا قلم بگیرند و در آخر ماده بنویسند بهتر خواهد بود اما آن مطلبی را که آقای حاج امام جمعه فرمودند اگر چه صحیح

اینست که در ازاء این خدمت حقوقی برای او معین

است ولی بیک ترتیبی ما میتوانیم این عبارت را اصلاح کنیم که هیچ اشکالی نداشته باشد یعنی یک عنوان التزامی برای آن قرار بدیم که هر کس مأمور دولتی میشود ملتزم باشد که در این موضوع این مبلغ را بدهد یعنی این یک حکم التزامی باشد که در اول خدمتش آنرا در عهده بگیرد و قتیکه آنرا در دست متحقق شد بحکم التزامی که قبلاً مینشده است بتواند او را باین ترتیب محکوم کرد والا این عبارت همین طور که فرمودند ظاهرش بی معنی است و ممکن است یکبارتری که صحیح باشد نوشته شده و واقفاً شروعاً از او گرفته شود.

مدعی العموم حق دارد از هر جانی اطلاع بهر رسانده **دکتر علیخان** - اینجا بقیه بده باید یک قدری توضیح شود از هر جانی علی الاطلاق صحیح نیست باید نوشت از هر حساب دواتی .  
**آقا شیخ ابراهیم زنجانی** - این ماده مجلس اینجا نیست برای اینکه ماده بعد از آن مربوط است بماده قبل از آن و این ماده در این بین بیمناسبت است.  
**فهیوم الملک** - در عبارت این ماده حالاری گرفته شود بعد در جایش میتوان تغییر داد و یک مجلسی برایش معین کرد که بی مناسبت نباشد.

**فهیوم الملک** - پس این ماده باشد تا اینکه در کمیسیون در خصوص آن یک ملاحظه و تجدید نظری بشود و مجلس پیشنهاد شود ( رجوع شد به کمیسیون ) ماده ۶۳ لایحه وزیر - نظرات دیوان محاسبات در حسابهای صاحب جمع مذکور توسط رئیس اداره متبوعه او بجل اقامت و منزل اصلی او ارسال خواهد شد و اگر مشارالیه عذر موجهی داشته باشد میتواند مفاصله مهلت ۲ ماهه بگنجد دیوان محاسبات تقدیم نماید .  
کمیسیون اینطور پیشنهاد کرده بود

**حاج آقا** - این ماده را اگر بخواهند تغییر جادر آن بدهند باید بعد از ماده ۶۲ قرار بدهند برای اینکه خیلی مناسب خواهد بود چون در آن ماده نوشته شده است در موردیکه صاحب جمع از دادن صورت حساب امتناع میکنند بحکم دیوان محاسبات صورت حساب صاحب جمع با تمام مدعی العموم مرتب شده بدیوان محاسبات داده میشود در آخر آن ماده نوشته شود که مدعی العموم حق دارد از هر جانی اطلاع بهر رساند و خیلی مناسب خواهد بود.

ماده ۶۳ - در موقع رسیدگی بحساب صاحب جمعی اگر دیوان محاسبات نظر اتسی داشته باشد توسط اداره متبوعه او موافق شرایطی که در فصل راجعه باصول معاکات مقرر است بمجل اقامتش یا معلیکه دریانخت است اختیار کرده ابلاغ خواهد شد مشارالیه میتواند مطابق قواعدی که در فصل زبور مذکور است در ظرف ۱۵ روز از تاریخ ابلاغ حکم ملاحظاتی خود را تقدیم نماید

**آقای میرزا ابراهیم خان** - مدعی العموم حق دارد که از حساب هر صاحب جمعی اطلاع بهر رساند از هر حسابی یعنی چه .

**دکتر علی خان** - بنظر بنده اینجا تا با نازده روز خیلی کم است بجهت اینکه این صاحب جمع اگر مجل اقامتش دریانخت باشد و یکجائی دور از پایتخت باشد تا وقتیکه بخواهد ملاحظاتی خودش را معین بکند خیلی طول خواهد کشید از این جهت بقیه بنده ۵ روز خیلی کم است و باید بیش از این باشد  
**فهیوم الملک** - برای این مسئله یک ماده در اواخر اضافه شده است و این ملاحظاتی هم در آنجا ملحوظ شده است

**رئیس** - رأی میگیریم بر ماده ۶۵ بطریقیکه کمیسیون پیشنهاد کرده است کسانیکه موافقت قیام نمایند [ اغلب قیام نمودند و با اکثریت تصویب شد ]  
ماده ۶۴ - وزیر صاحب جمع مزبور می تواند در ظرف دو ماه پس از تاریخ ابلاغ حکم توسط اداره متبوعه خود بر حکم مزبور اعتراض نماید و اگر محکومیت آن شخص راجع بقسمتهائی از حساب باشد که موافق ماده ۶۲ نظریات کتبی در آن باب برای او فرستاده شده است و در ظرف دو ماه مقرر در ماده ۶۲ عذر موجه در مقابل آن نظرات اقامه نکرده این اعتراض قبول نخواهد بود  
مسائل مترشقه یا مانع اجرای حکم صادره نخواهد شد مگر وقتیکه تعویق حکم مذکور از طرف دیوان محاسبات مقرر گردد و در این صورت باید قبل از رسیدگی بجزئیات مسائل مزبوره عقیده مدعی العموم خواسته شود کمیسیون اینطور پیشنهاد کرده بود

**رئیس** - رأی میگیریم بر ماده ۶۳ بطوری که کمیسیون پیشنهاد کرده است کسانیکه موافقت قیام نمایند ( اغلب قیام کردند و تصویب شد )  
ماده ۶۳ لایحه وزیر - وقتیکه در دیوان محاسبات ثابت شده که حساب آن صاحب جمع باقی ندارد مقاصد میدهند و عنداللزوم امر بتخلیس ضمه آنها و مشارالیه می نماید و در صورت عکس بانی صاحب جمع را تعیین و اورا بشانیه وجه محکوم میسازد  
( کمیسیون اینطور پیشنهاد کرده بود )

ماده ۶۶ - صاحب جمع مزبور می تواند از تاریخ ابلاغ حکم تا ۱۵ روز مستقیماً با توسط اداره متبوعه خود بر حکم مزبور اعتراض نماید اگر محکومیت آن شخص راجع بقسمتهائی از حساب باشد که موافق ماده ۶۳ نظرات کتبی در آن باب برای او فرستاده شده است و در ظرف ۱۵ روز مقرر در ماده ۶۳ ملاحظاتی خود را در مقابل آن نظرات اقامه نکرده این اعتراض قبول نخواهد بود  
حکمی که از طرف دیوان محاسبات در باب قبول یا رد اعتراض صادر می شود مانع اجرای حکم اولی نخواهد بود مگر در صورتیکه قبل از صدور حکم قطعی دیوان محاسبات حکم بر توفیق اجرا نمایند و در چنین موقع باید عقیده مدعی العموم خواسته شود .

**رئیس** - رأی میگیریم بر ماده ۶۴ بطریقیکه کمیسیون پیشنهاد کرده است کسانیکه موافقت قیام نمایند ( اغلب قیام کردند و تصویب شد )  
ماده ۶۵ الحاقی کمیسیون عبارت ذیل قرائت شده است ولی بیک ترتیبی ما میتوانیم این عبارت را اصلاح کنیم که هیچ اشکالی نداشته باشد یعنی یک عنوان التزامی برای آن قرار بدیم که هر کس مأمور دولتی میشود ملتزم باشد که در این موضوع این مبلغ را بدهد یعنی این یک حکم التزامی باشد که در اول خدمتش آنرا در عهده بگیرد و قتیکه آنرا در دست متحقق شد بحکم التزامی که قبلاً مینشده است بتواند او را باین ترتیب محکوم کرد والا این عبارت همین طور که فرمودند ظاهرش بی معنی است و ممکن است یکبارتری که صحیح باشد نوشته شده و واقفاً شروعاً از او گرفته شود.

**حاج سید ابراهیم** - در آن فقره اخیر که می نویسند حکمیکه از طرف دیوان محاسبات در باب قبول یا رد اعتراض صادر می شود مانع اجرای حکم اولی نخواهد بود مگر در صورتیکه قبل از صدور حکم قطعی دیوان محاسبات حکم بر توفیق اجرا نمایند و در چنین موقع باید عقیده مدعی العموم خواسته شود .

باب قبول یا رد اعتراض صادر می شود مانع اجرای حکم اولی نخواهد بود مگر در صورتیکه قبل از صدور حکم قطعی دیوان محاسبات حکم بر توفیق اجرا نماید می خواستم عرض کنم چه فایده است مابین حکم اولی و ثانوی هر دو حکم است و این حکمی که صادر می شود باید اجرا شود چطور می شود که حکم اولی لغو است و باید حکم ثانوی اجرا شود از این جهت گمان می کنم که باید این عبارت را داشت .  
**فهیوم الملک** - ممکن است بعد از صدور حکم صاحب جمع اعتراض بکنند که دیوان محاسبات آن اعتراضات را مانع توفیق اجرای حکم اولی نداند در این صورت قبول آن اعتراضات مانع اجرای آن حکم نخواهد شد و اگر بقسمی باشد که مانع اجرای حکم اولی بشود توفیق می شود تا وقتی حکم قطعی یعنی حکم ثانوی پس از رسیدگی با اقدامات داده می شود صادر شود .

باب قبول یا رد اعتراض صادر می شود مانع اجرای حکم اولی نخواهد بود مگر در صورتیکه قبل از صدور حکم قطعی دیوان محاسبات حکم بر توفیق اجرا نماید می خواستم عرض کنم چه فایده است مابین حکم اولی و ثانوی هر دو حکم است و این حکمی که صادر می شود باید اجرا شود چطور می شود که حکم اولی لغو است و باید حکم ثانوی اجرا شود از این جهت گمان می کنم که باید این عبارت را داشت .  
**فهیوم الملک** - ممکن است بعد از صدور حکم صاحب جمع اعتراض بکنند که دیوان محاسبات آن اعتراضات را مانع توفیق اجرای حکم اولی نداند در این صورت قبول آن اعتراضات مانع اجرای آن حکم نخواهد شد و اگر بقسمی باشد که مانع اجرای حکم اولی بشود توفیق می شود تا وقتی حکم قطعی یعنی حکم ثانوی پس از رسیدگی با اقدامات داده می شود صادر شود .

**افتخار الواعظین** - این بانزده روز که مدت معین شده است برای کسی است که مدعی العموم یا وکیلش در مرکز باشد و دیوان محاسبات بخواند مستقیماً بحساب او رسیدگی کند اما اگر چنانچه دیوان محاسبات يك مأموری را فرستاده است در گهران از برای اینکه حساب صاحب جمع کرمان را رسیدگی نماید و يك حکمی صادر کرده باشد و آن صاحب جمع نظراتی داشته باشد در این صورت آن صاحب جمع در ظرف ۱۵ روز نمی تواند اعتراضات خود را بدیوان محاسبات برساند باید يك وقتی را معین کرد کلا اقل صاحب جمع بتواند در هر کجا که هست اعتراضات خودش را بدیوان محاسبات برساند این مدت برای اشخاصیکه نزدیک باشند خیلی خوب کم است .

**مشیرالدوله** - بنده میخواهم توضیحی از آقای مغیر بخواهم برای اینکه ماده صحیح و روشن نیست اولاً مفاد این ماده اینست که صاحب جمع میتواند بر حکم دیوان محاسبات اعتراض نماید و این اعتراض هم دومورد دارد یکی وقتی که حکم دیوان محاسبات ابلاغ شد بصاحب جمع یکی راجع رجوع کرده است بماده ۶۳ حال در ماده ۶۳ عرضی ندارم اما در باب آن مورد دیگر گویا مراد این باشد که وقتی اعتراض قبول می شود که آن حکم غیابی باشد اگر مراد اینست که خوب است این را تصریح بکنند و اگر این نیست که توضیح بدهند که چطور صاحب جمع می تواند بر حکم حضوری اعتراض نماید و دیگر اینکه می نویسند که حکمی که از طرف دیوان محاسبات در باب قبول یا رد اعتراض صادر می شود مانع اجرای حکم اولی نخواهد بود این هم اگر باز راجع است بحکم اولی قطعی و طوری نشده است که محکمه بتواند اعتراض صاحب جمع را قبول کند که آن حکم اجرا می شود و لازم بقید نیست منتهی اگر تصدیق می خواهد برای اجرای آن بسته به نظر محکمه است و اگر که اعتراض او قبول شده که آن حکم باید اجرا شود رسیدگی نمایند در هر صورت این ماده ممکنست خیلی برای دیوان محاسبات تولید اشکال نماید خوب است مغیر محترم در این باب توضیحی بدهند که مقصود معین شود .

**فهیوم الملک** - التفات بفرمائید چنانچه آقای دکتر علیخان هم این اظهار را کردند تمام این ترتیبات برای صاحب جمعی مرکز است و برای صاحب جمع هائیکه در خارج از مرکز هستند يك ماده اضافه شده است که تکلیف آنها را معین میکند .  
**حاج آقا** - تغییراتی که از این ماده می شود و اشکالاتیکه بر آن وارد می آید تمام ناشی از مطالعه نکردن در اول و آخر بعضی از مواد است و الا بدون این مذاکرات این ماده می گذشت این رد و قبول اعتراضات که نوشته شده است اول ماده گفته شد که احکام دیوان محاسبات استیفاف پذیر نیست یعنی احکام ابتدائیش قطعی است و پس از اینکه احکام ابتدائی قطعی شد دیگر هیچ چیزی مانع اجرای احکام دیوان محاسبات نمی شود مگر اینکه يك تغییر رأی در خصوص آن حکم برای دیوان محاسبات حاصل شود که در آن صورت آن حکم موقوف الاجرا خواهد ماند و از این جهت اینجانب نوشته شده است که قبول اعتراضات صاحب جمع مانع اجرای حکم اولی نخواهد شد مگر در صورتیکه خود دیوان محاسبات حکم بر توفیق نماید از همین جهت بنده عقیده ام این است که این عبارت را اینطور نباید اینجا بنویسند باید نوشت که در صورتیکه قبل از صدور حکم ثانوی دیوان محاسبات حکم بتوفیق نماید و قبل از صدور حکم قطعی نمی باید نوشته شود

**فهیوم الملک** - چون صاحبان جمع حق دارند بر احکام دیوان محاسبات که صادر می شود تجدید نظر یا اعتراضی نمایند برای اینکه ممکن است اسنادی داشته باشد که در موقع محاکمه حاضر نداشته است و بعد آن اسناد را بدست آورده و حاضر کرده است باین واسطه اعتراض خواهند کرد پس این حق اعتراض اهم از اینکه حکم حضوری باشد یا غیابی برای صاحب جمع است و می تواند بر آن حکم صادره اعتراض نماید برای اینکه اغلب می دانیم در مرکز نیستند و حکم غیابی صادر می شود اگر چه با حضور وکیل معاکمه شود مثل اینکه در حضور وکیل معاکمه شده است ولی غایب بوده است بعد که حکم محکمه با ابلاغ میشود حق اعتراض دارد که اسنادی را که دارد ثانیاً بیاورد ارائه بدهد و اگر اشتباهی شده است رفع شود کاملاً معاکمه شده حکم صادر شود .

**حاج سید ابراهیم** - این فرمایشاتی که آقایان فرمودند رفع این اشکالات را نکرد اینجا میگوید حکمیکه صادر میشود از دیوان محاسبات در رد یا قبول اعتراض را می کند معذالك مانع از اجرای حکم اولی نخواهد بود این عبارت بنظر بنده خیلی ناقص می آید و باید اصلاح شود همچنین در باب ( ۱۵ ) روز که می فرمایند برای صاحب جمعی است که در مرکز هستند و از برای آنهایی که در خارج هستند مدت علیحدده معین خواهند کرد ولی این عبارت را بطور اطلاق وا گذاشتن صحیح نیست باید مقید شود که این مدت از برای صاحب جمع هائیکه در طهران هستند .

**حاج عز الممالک** - اینجا گویا آقایان اشتباه کرده اند قبول اعتراض تصدیق اعتراض نیست ممکن است که اعتراض بکنند و قبول بشود ولی بعد از رسیدگی و تصدیق نشود از اینجهت است که نوشته اند مانع اجرای حکم اولی نخواهد بود و اما در باب مدت هم چون در مواد بعد خواهد آمد که بتفصیل ذکر می شود دیگر لازم نیست که در اینجا هم قید شود .

**حاج آقا** - این مطلبی را که آقای مشیرالدوله فرمودند يك مطلبی بود که مغیر محترم جوابیکه راجع بآن بود درست نفرمودند این فصل که در اینجا نوشته شده است که مورد امتناع صاحب جمع از دادن حسابها بعد از آنکه حکم کردند صورت حکم را بجهت او میفرستند و در ظرف ۱۵ روز آن صاحب جمع ملاحظاتی خود را میفرستد پس این ملاحظاتی در يك چنین موردی است که حکم شده و صورت حکم را فرستاده اند و بعد در خصوص معاکات می نویسیم که احکام دیوان محاسبات بر دو قسم ابتدائی و فوق العاده است احکام ابتدائیش که بکلی قطعی الاجرا است و باید اجرا شود ولی احکام فوق العاده بطریق تجدید نظر است پس در این مورد این چیز را که ما می نویسیم همه نظرات را جامع بماده ۶۳ که نفر صاحب جمع مسامحه بکنند و از دادن حساب و مدعی العموم می آید و حساب ها را مرتب می کند و بحسابهایش در دیوان محاسبات رسیدگی شده محکوم می شود که در این موقع صاحب جمع ملاحظاتی و اعتراضاتی را که دارد در ظرف این مدتی که معین شده است تقدیم دیوان محاسبات می کند بعد از اینکه تقدیم کرد آن اعتراضات هم بعضی هست که بطریق مذکور در ماده ۶۳ بعد از گذشتن مدت اعتراض است که بجهت اینکه موقعش گذشته است آن اعتراضات قابل قبول نیست و اگر که موقع اعتراض نگذشته است و اعتراضاتش هم قابل قبول است که دیوان محاسبات قبول می کند در اینکه رسیدگی کند و ببیند که آن اعتراضات حق است یا اینکه حق نیست و بدیهی است که در موقعیکه باید رسیدگی بکنند بحساب يك صاحب جمعی ممکن است يك اشتباهی بشود که در واقع در حق آن صاحب جمع ظلم شده باشد از آنطرف هم گفته ایم احکام ابتدائی دیوان محاسبات استیفاف پذیر نیست و نباید توفیق شود از اینجهت نوشته شده است که قبول اعتراض مانع اجرای

**حاج شیخ اسدالله** - بنده در این فقره ای که آقای مشیرالدوله گفتند که این ماده مخصوص است باحکام غیابی مخالف هستم بجهت اینکه این عبارت عدمیت دارد علاوه بر این ممکن است صاحب جمع حاضر ولی بعضی از اسنادش در موقع محاسبه حاضر نباشد یا اینکه مفقود شده باشد و دستش بآن نرسد بعد که تحصیل کرد و آن نوشتجات را بدست آورد میتواند ارائه بدهد و دیوان محاسبات هم مجبور است که آن اعتراضات را قبول کند بجهت اینکه آن اسناد مفقود شده است اینحق برای صاحبان جمع هست و بطوریکه آقای مشیرالدوله گفتند که مقصود اشخاصی است که حکم غیابی درباره آنها داده شده است نیست اما در خصوص این فقره باز هم عرض میکنم که در اینجا نوشته شده است که آن اعتراضات را که محکوم علیه اظهار کرد و دیوان محاسبات بواسطه اینکه اعتراضات او را قابل توجه دانست قبول کرد از مانع اجرای حکم اولی

حکم اولی نمی شود مگر در صورتیکه خود دیوان محاسبات حکم بتوفیق اجرا نماید پس این درحقیقت يك اشتباه و اختیاری است که بدیوان محاسبات بدیم که حکمی را که داده است موقوف الاجرا بدارد تا وقتیکه با اعتراضات صاحب جمع رسیدگی بکنند اگر حق بود که حکم ثانوی خواهد داد والا همان حکمی که اول شده است اجرا خواهد شد  
**فهیوم الملک** - بنده عهده فرمایشات آقای حاج آقا را تکذیب میکنم برای اینکه این مواد راجع به ماده ۶۳ نیست زیرا که آن راجع است به مواردیکه حساب را تسلیم نکرده باشد و این راجع به موقعی است که حکم شده باشد ولی صاحب جمع برای حکم اعتراض داشته باشد

**مشیرالدوله** - این توضیحاتی که آقای حاج آقا دادند بهیچ وجه بنده را متقاعد نکرد همچنین اعتراضی را که آقای مغیر کردند بنده تمام این مواد را خوانده ام و می دانم کدام ماده بکدام ماده مربوط است و برمی خورد بنده يك اعتراض اساسی داشتم و می دانم تجدید نظر چه چیز است و اینکه آقای حاج آقا گفتند در باب تجدید نظر این هیچ مربوط با اینجا نیست تجدید نظر خودش موارد معینی دارد و بعد خواهد آمد که بجهت ترتیب خواهد آمد اینجا مقصود اینست که اگر احیاناً آن صاحب جمع در وقت محاسبه حاضر نباشد بعد از محاسبه نتیجه آن بصاحب جمع ابلاغ می شود آنوقت آن صاحب جمع چون حاضر نبوده است اعتراضاتی که دارد که اظهار بکنند در صورتیکه این طور است که بنده فهمیده ام عرض می کنم احکام غیابی را وارد بکنند موقع اعتراض نگذشته است نمی توان مجری داشت و اگر محکومیت آن شخص راجع بحسابهای باشد که در ماده ( ۶۲ ) مذکور است که بنده اینکه نوشته است که قبول اعتراض مانع اجرای حکم اولی نمیشود را نمی فهمم در عدلیه در بعضی اوقات رسم است که حکم غیابی می دهند بواسطه تردد محکوم علیه اجرای وقت هم در آن حکم نوشته شده آنوقت محکوم علیه اجرای وقت را گم می شود که استعدای توفیق آنرا می نماید تا اینکه حکم ثانوی صادر شود نه اینکه خود آن محکمه بدون اینکه محکوم علیه بخواهد اینکار را بکند .

حکم اولی نمی شود مگر در صورتیکه خود دیوان محاسبات حکم بتوفیق اجرا نماید پس این درحقیقت يك اشتباه و اختیاری است که بدیوان محاسبات بدیم که حکمی را که داده است موقوف الاجرا بدارد تا وقتیکه با اعتراضات صاحب جمع رسیدگی بکنند اگر حق بود که حکم ثانوی خواهد داد والا همان حکمی که اول شده است اجرا خواهد شد  
**فهیوم الملک** - بنده عهده فرمایشات آقای حاج آقا را تکذیب میکنم برای اینکه این مواد راجع به ماده ۶۳ نیست زیرا که آن راجع است به مواردیکه حساب را تسلیم نکرده باشد و این راجع به موقعی است که حکم شده باشد ولی صاحب جمع برای حکم اعتراض داشته باشد

نمیباشد در صورتیکه دیوان محاسبات قبول آن اعتراضات را نموده دیگر آن حکمی که داده شده است از اعتبار میآید و مشکوک میشود و دیگر قابل اجراء نخواهد بود مگر اینکه تجدیدنظر شود و ثانیاً حکم صادر شود باینکه حکم اولی را دیوان محاسبات تصدیق نماید.

**فهییم الملک** - فرمایش آقای مشیر الدوله راجع بود بقسمت دوم این ماده اما اینکه راجع میشود بماده ۶۳ دلیل این نمیشود که این اعتراض بر حکم غیابی میشود برای اینکه در ماده ۶۳ ذکر شده است که در موقع رسیدگی بحساب صاحب جمعی اگر دیوان محاسبات نظراتی داشته باشد بتوسط اداره متبوعه او موافق شرایطیکه در فصول راجعه باصول معاومات مقرر است بجعل اقامت یا محلی که در پایتخت اختیار کرده ابلاغ خواهد شد مشار الیه میتواند مطابق قواعدیکه در فصل مزبور مذکور است در ظرف (۱۰) روز از تاریخ ابلاغ حکم ملاحظاتی خود را تقدیم نماید در این صورت دیگر این حکم قیابی نمیشود بلکه این حکمی است که در حضور او داده شده است و در این صورت اگر باز محکوم شد دیگر حق اعتراض نخواهد داشت.

**مؤتمن الملک** - این ملاحظاتی که میشود بیشتر مربوط است بقوانین و احکام وزارت عدلیه که در اینجا اعتراض در احکام مخصوص است باشخاصیکه غائب بوده اند و حال اینکه اینجا اینطور نیست چون ما گفتیم که احکام دیوان محاسبات استیناف ندارد برای اینکه اگر میکفیم استیناف دارد مجبور میشویم يك محکمه عالی تر تشکیل کنیم که احکام ر آنجا استیناف شود و چون يك محکمه چیزی ممکن نبود اینستکه آمدند عرض استیناف حق اعتراض برای صاحب جمع قرار داده اند که يك تجدید نظری بشود و ثانیاً حکم صادر شود تا اینکه در دفته اول اگر يك اشتباهی شده باشد در حق آنصاحب جمع ظلم نشده باشد اینستکه گفته اند حق اعتراض دارد پس این در حقیقت اعتراضی است که جای استیناف را میگیرد و برای اینکه در باره صاحب جمع ظلم نشده باشد در اینجا دو چیز نوشته اند یکی اینستکه در ماده ۶۳ نوشته شده است که اگر صورت حسابی را بیاورند بدیوان محاسبات دیوان محاسبات درست ملتفت نمیشود پنج شش قلم از آن حساب را اینستکه بصاحب جمع مینویسد که این چند قلم را درست ملتفت نشدم آنوقت صاحب جمع حق دارد که در ظرف ۱۰ روز باین ایرادات دیوان محاسبات جواب بدهد و در صورتیکه ۱۰ روز وقت قرارداد شده است دیگر قدری عذری برای صاحب جمع باقی نمی ماند که اعتراضی بکنند - حالا يك قسمت از حساب هم هست که خود دیوان محاسبات ایراد نمیکند بلکه رسیدگی کرده حکم میدهد و بصاحب جمع ابلاغ میشود این قسمت از احکام را هم بگویند که باز هم صاحب جمع حق دارد در ظرف ۱۰ روز اگر ملاحظاتی و اعتراضاتی برا احکام دیوان محاسبات دارد بنماید پس این یعنی برای صاحب جمع داده اند از برای اینکه در حق او ظلم نشده و چون لفظ استیناف را نمیتوانیم استعمال کنیم بهمان دلیل که عرض کردیم که يك محکمه عالی تری هم آنوقت باید برای استیناف قرار بدهیم و چون محکمه عالی تری در باب امور مالیه از دیوان محاسبات بالاتر نداریم این بود که گفتیم که خود

دیوان محاسبات مجدداً در آن مسئله رسیدگی کند و اسامی را استیناف نمیکند اگر اسامی را اعتراض میکند از برای امادر فقره ثانی که گفتند وقتیکه اعتراض قبول شد دیگر چه امر آنجا را نمیشود برای اینستکه همانطور که گفته شد وقتیکه صاحب جمع اعتراض کرد بمجرد اینکه آن اعتراض قبول شد دیگر مجبور نیست دیوان محاسبات که در همان جلسه رسیدگی کند برای اینکه ممکن است همیشه در که دیوان محاسبات حکم کرد که اعتراض او تا يك درجه مقبول است تا موقع رسیدگی مدتی طول میکشد علاوه بر این ممکن است که بعد از يك پادروفته که دیوان محاسبات رسیدگی کرد مجدداً معلوم شود که حکم اولی اوصحیح بوده است پس در صورتیکه آن حکم اولی داده شود که مثلاً ده هزار تومان از صاحب جمع بگیرند و صاحب جمع هم دور نیست که بخواهد امر او وقت بکند و يك فرصتی پیدا کند از برای اینکه آن حکم اجرا نشود از این جهت است که نوشته شده است بمجرد قبول اعتراض حکم اولی توقیف نمی شود مگر اینکه از روی ایراداتیکه صاحب جمع بدیوان محاسبات کرده است دیوان محاسبات اسناد صاحب جمع را ملاحظه میکند و می بیند آن ایرادات درست بوده است در هر صورت مقصود از این جمله این بوده است که اگر يك صاحب جمعی محکوم واقع شود و بعد اعتراضاتی را که میکند قبول شود در ضمن بخواهد فرار کند آن حکم توقیف نشده و بلا اجراء نماند

**رئیس** - مذاکرات بقدر کافی بعمل آمده است حالا باید رأی بگیریم. مجدداً ماده ۶۶ باتعمیر کلمه (حکم قطعی) به (حکم ثانوی) قرائت شد.

**رئیس** - کسانی که تصویب میکنند بر ماده ۶۶ بطریقیکه خوانده شد قیام نمایند (اعلب قیام نمودند و با کثرت تصویب شد)

ماده ۶۵ پیشنهاد وزیر وقتیکه یکی از مأمورین ادارات پیشنهاد دیوان محاسبات شده امور مذکور تابع قضاوت دیوان محاسبات خواهد بود. کمیسیون این ماده را حذف کرده بود.

**حاج سید ابراهیم** - جهت ندارد این ماده حذف شود برای اینکه در این ماده تصریح میکنند که مأمورین ادارات چه در اداره وجه در غیر اداره مالیه در هر اداره ای که باشند ولو اینکه اداره نظام هم در مقام محاکمه تابع قضاوت دیوان محاسبات هستند و در اینصورت نمیدانم کمیسیون بچه ملاحظه آنرا حذف کرده است.

**فهییم الملک** - جهت حذفش از ابتدا گفته شد بعد از آنکه ترتیب رسیدگی و صدور احکام و وظائف صاحب جمع و سایرین را در طاعت از احکام دیوان محاسبات نوشتیم و تمام جزئیات تکلیف آنها را معلوم کردیم باز گوییم که مأمورین ادارات در مقام محاکمه و رسیدگی بحساب تابع قضاوت دیوان محاسبات خواهند بود این زیادی نیست؟

**رئیس** - حالا باید رأی بگیریم برایورت کمیسیون که پیشنهاد کرده است این ماده حذف شود کسانی که با پیشنهاد کمیسیون موافقت میکنند یعنی حذف این ماده را تصویب میکنند قیام نمایند.

( اغلب قیام نمودند و با کثرت مساده مزبور حذف شد )

پیشنهاد وزیر ماده ۶۶ - هر گاه در بین رسیدگی حسابی دیوان محاسبات تقلب و خیانتی مشاهده کند بعد از استنراج از مدعی العموم بتوسط مشارالیه مطلب را بوزارت متبوعه شخص متهم اشعار کرده مجازات او را موافق قوانین موضوعه میخواند.

پیشنهاد کمیسیون ماده ۶۷ - هر گاه در ضمن رسیدگی حساب دیوان محاسبات تقلب و خیانتی مشاهده کند مطلب را بتوسط مدعی العموم بوزارت عدلیه و بوزارت متبوعه صاحب جمع ابلاغ می نماید برای اینکه موافق قوانین معموله سیاست شود و در چنین موقع باید عقیده مدعی العموم نیز خواسته شود.

**حاج سید ابراهیم** - در اینجا موافق با پیشنهاد وزیر که در آنجا میگوید بوزارت متبوعه خودش اشعار میشود بجهت اینکه مراد از تقلب و خیانت در مقام حساب یعنی مال دولت را نخواهد بود یا در اسناد تقلبی کرده باشد در اینصورت محاکمه راجع بدیوان محاسبات است جهت ندارد بعد از ثبوت تقلب راجع بدلیه بکنیم فقط در دیوان محاسبات رسیدگی کنند که ایت میکند.

**فهییم الملک** - اگر در اسناد تقلبی کرده باشد یا اینکه مالیه را دزدیده باشد این راجع بوزارت مالیه نخواهد بود راجع است به محاکم جزا و در اینجا مجازات قانونی می بیند.

**لسان الحکماء** - اینجا دوم مرتبه تکرار شد که عقیده مدعی العموم خواسته میشود بنده میخواستم عرض کنم در مورد اختلافات حساب همیشه مدعی العموم باید دعوت شود و حاضر باشد یعنی وقتیکه اختلاف حساب ما بین ممیزین و صاحب جمعه دیده شود ما بین نظر همیشه مدعی العموم باید مواظب باشد برای اینکه تقلبات و خیانتها واقع نشود و باید از مدعی العموم اطلاعات حاصل کرد ولی در این موارد در چندینجا نوشته شده عقیده مدعی العموم خواسته شود در صورتیکه از حق رأی ندارد و عقیده او مسخیت در حکم ندارد پس فقط مقصود همان مسئله است که باید در تمام مواردیکه اختلاف حساب ما بین صاحب جمعه و ممیزین واقف میشود اطلاعات داشته باشند یکی از ماده هائی است که باید نوشته شود که باید حتی مدعی العموم حاضر باشد و هر گاه ما بین صاحب جمعه و ممیزین اختلاف حساب باشد اطلاعات باید از مدعی العموم خواسته شود نه عقیده مدعی العموم.

**فهییم الملک** - این چون در محاکمه است عقیده او را از باب اینکه اظهار عقیده در حکم است اشعار میدارد همانطور که فرمودند فقط برای این که میخواهند نظرات او را در حکمی که میخواهند صادر کنند بدانند.

**آقا شیخ ابراهیم زنجانی** - این عبارت اینجا خوب نیست که مینویسد هر گاه در ضمن رسیدگی حساب دیوان محاسبات تقلب و خیانتی مشاهده کند مطلب را بتوسط مدعی العموم بوزارت عدلیه ... این مدعی العموم آیا حق دارد او را بمحکمه جزا جلب کنند یا ندارد اگر ندارد پس باید مدعی العموم عدلیه اطلاع بدهند که او را جلب بمحکمه عدلیه بکنند این عبارت بیهوده صحیح نیست.

**فهییم الملک** - اینکه در اینجا نوشته شده است مدعی العموم که نمیتواند رأی بدهد پس فرض اینستکه در اختلاف حساب نظر داشته باشد و اگر لازم میدانند که نوشته شود مدعی العموم - علیه آنهم ضروری ندارد و او باید که او را جلب بدلیه بکنند. ماده مزبور با اصلاح قرائت شد.

**فهییم الملک** - این ماده اینطور نوشته شود - هر گاه در ضمن رسیدگی حساب دیوان محاسبات تقلب و خیانتی مشاهده کند مطلب را بتوسط مدعی العموم خود بدلیه و بوزارت متبوعه صاحب جمع ابلاغ می نماید و در آخر نوشته شود باید عقیده مدعی العموم دیوان محاسبات نیز خواسته شود و برای اینکه هر گاه در ضمن محاسبات تخلف و خیانتی مشاهده کند مطلب را بتوسط مدعی العموم وزارت عدلیه ابلاغ می نماید.

**وکیل التجار** - اینجا در تمام مواضع اشتباه حساب با سهو حساب می شود نوشته میشد حکم صادر می شود حکم داده می شود از طرف دیوان محاسبات و اجرا می شود اینجا در مواضعیکه خیانت یا تقلبی شده باشد می نویسد مبلغ راجع می کنند می رود بتوسط مدعی العموم یا بتوسط هر کسیکه هست بمحکمه جزا و بدیوان عدلیه رجوع می شود عقیده ام اینستکه آتمقداریکه راجع باخذ مبلغ است آنرا در مواقع اختلاف دیوان محاسبات خودش حکم بکنند و اخذ بکنند و فقط برای مجازات خیانت رجوع بدیوان عدلیه شود نه اینکه خود آتمبلغ هم همانطور توقیف بماند و رجوع شود بدلیه که در آنجا مجازات تقلب او بشود و مال دولت پیش یکطرف حساب مدتی تعطیل بماند در صورتیکه اختلاف حساب را بدیوان محاسبات اجازه می دهیم که آن تفاوت را خودش حکم کند و بگذرد حالا در موقع تقلب بطریق اولی مختار است که پول را بگیرد و آن وقت جزای تقلب و خیانت را رجوع کند بمحکمه جزا والا اخذ وجه را خود دیوان محاسبات باید بکنند چنانچه در موقع اختلاف و اشتباه اخذ میکنند.

**فهییم الملک** - اینجا نوشته است که محکمه جزای عدلیه این اختلاف حساب را بگیرد این ربطی بمطلب ندارد در احکام دیوان محاسبات که به داد این ذکر خواهد شد در آنجا گفته می شود که حکمیکه صادر می کنند اگر صاحب جمع حساب صحیح است که مقاصد خواهد داشت و اگر باقی یا فضل دارد می گویند این چیزی است که خواهد آمد در اینجا چیزی که بدلیه رجوع می شود فقط محاکمه و مجازات آن شخص است نسبت بآن تقلب و خیانتی که کرده است و مسلماً اگر باقی دارد بموجب احکامیکه صادر می شود باید بدهد. ماده مزبور بطوریکه آقای فهییم الملک اصلاح کردند قرائت شد.

**حاج آقا** - این عبارت را اگر چه تغییر داده اند بنده عرضی ندارم اگر چه آنوقت معلوم بود که بترتیب معمول بدلیه اطلاع داده می شود ولی این عبارت را هم زیاد میدانم برای اینکه موافق قوانین معموله محاکمه و سیاست شود.

**آقا شیخ ابراهیم** - بنده هم همین را میخواستم

عرض بکنم این قلب و خیانت که در دیوان محاسبات مشاهده و ثابت شده این کافی است برای مجازات او را نه و اگر کافی است پس باید بدلیه فرستاده شود برای مجازات و اگر کافی نیست باید جلب بدلیه شود و آنجا محاکمه و فرار در آن داده شود این عبارت بیهوده صحیح نیست برای اینکه موافق قوانین معموله سیاست شود یعنی چه؟

**فهییم الملک** - همان دیوان محاسبات خودش محاکمه است و رسیدگی کرده است و آن تقلب و خیانتی را که نسبت با او می دهد ثابت کرده است که تقلب و خیانت کرده است اینست که بدلیه بفرستد فقط برای سیاست اوست برای اینکه سیاستی که با او تعلق می گیرد موافق قوانین معموله درباره او اجرا دارند.

**حاج آقا** - تصور میکنم که اشتباه شده است بواسطه این که چیزی که در دیوان محاسبات محاکمه می شود و دیوان محاسبات برای او محکمه است فقط در همان حساب کشیدن صاحب جمعه ها و معاهده حقوقی است که از طرف دولت آنحق باو داده شده است اما در سایر چیزهایی که بدیوان محاسبات راجع نیست نه حق محاکمه دارد نه حق حکم بجهت اینکه در اینجا اگر قضیه و واقعه ای پیش آمد که دو جنبه و دو حیثیت داشته باشد يك جهت مالیه که راجع بدولت باشد و دیوان محاسبات ثابت کرده است که این مبلغ را بدهکار است البته موافق آنچه که دیوان محاسبات ثابت کرده است دین است بر او و باید بدهد در ضمن در مقابل اسنادی که باید بدولت بدهد اگر کاغذ سازی کرده باشد یا تقلبی در سند کرده باشد این يك جهت محاکمه جزائی است این يك جهت محاکمه عدلیه در محکمه جزا محاکمه شود و مدعی العموم عدلیه در محکمه جزا محاکمه شود و آن مجازاتی را که برای او مقرر میکنند معین است که باید در عدلیه اجرا بشود و از این جهت البته باید در عدلیه محاکمه شود از همین جهت هم بود که بنده میگفتم باید از طرف دیوان محاسبات به مدعی العموم اطلاع داده شود تا مجازات شود.

**مؤتمن الملک** - فقط میخواستم عرض کنم که شخصیکه کارش رجوع می شود بدلیه در آنجا باید رسیدگیهای دیوان محاسبات را مأخذ قرار بدهند و سیاست بکنند و الا دوباره از سر برای او نیست بهمان حکم برای محکمه جزا که باید محکمه جزا از روی آن چیزی که دیوان محاسبات استکشاف کرده است يك قرینه و يك بینه بدست بیاورد و در مقام حکومت خودش آن يك شاهدهی باشد برای اثبات يك مطلبی والا بدون اینکه ما بگوئیم يك حکومتی محکمه جزا در این خصوص دارد نباید که اینطور بگوئیم که محکمه جزا آن مطلبی که از طرف دیوان محاسبات باو رجوع شده است آنرا شاهدهی برای خودش قرار می دهد فقط در باره آنچه راجع باو بوده است و با النسبه بحکم جزائی استکشاف کرده است یعنی استکشاف کرده است که آن سند را که داده است تقلبی بوده است این موضوعی که خودش استکشافی کرده است که آن سندی را که داده است تقلبی بوده است باید بمحکمه جزا ارائه بدهد و محکمه جزا باید آن رسیدگی را مأخذ و میزان قرار بدهد آنوقت در مقام محاکمه آن شاهدهی باشد که بطریقیکه در

باید صلاحیت حکم را هم داشته باشد و الا اگر بگوئیم که دیوان محاسبات يك محکمه است که فقط حق این را خواهد داشت که رسیدگی کرده و جمع آوری کند آن چیزها را اگر بر او وارد می شود آنوقت رسیدگی می کند و رجوع می کند به عدلیه در آن خصوص و جهت دیگر حق محاکمه را نداشته است و فقط در آن تقصیریکه در دیوان محاسبات ثابت شده است حکم بدهد و اجرا نماید و این را بنده تصور نمیکنم و تصدیق نمیکنم زیرا دیوان محاسبات يك محکمه است که در يك مقداری از امور صلاحیت رسیدگی دارد مثلاً رسیدگی می کند بحساب يك صاحب جمع در ضمن ثابت می شود که او فلان مبلغ مال دولت را برده است و او در باب آنچه که راجع بمالیه است حکم می دهد که مالیه دولت گرفته شود پس يك طرف کار که راجع بگرفتن و دادن است آن محکمه تکالیف خودش را ادا کرده است و حکم داده است که اخذ و اجرا کند اگر بگوئیم آنصاحب جمعی که مال دولت را تلف کرده است باید در محکمه عدلیه رسیدگی بشود یعنی هم تقصیر او ثابت شود هم اینکه مجازات داده بشود این بنظر بنده صحیح نمی آید.

**حاج آقا** - بنده با آقای معزز الملک کاملاً موافقم و باید معلوم شود که حکم محکمه دیوان محاسبات بمنزله يك شاهدهی است يك زمینة يك بینه يك دلیلی است برای محکمه جزا که محکمه جزا آنرا يك بینه میگیرد برای يك حکمی که خواهد کرد و عراضیکه بنده کردم و فرمایشاتیکه آقای مؤتمن الملک کردند در مقدمات یکی بود ولی در نتیجه باهم متباین بود و تصور میکنم که خود آقای مؤتمن الملک اگر تأمل بفرمایند تصدیق کنند که هر ایز بنده با فرمایشات ایشان هیچ منافاتی ندارد چیزی که هست آنچه راجع از طرف دیوان محاسبات پیشنهاد میشود بمحکمه جزا آن در زمینه يك شاهد و يك دلیل و يك بینه است بواسطه اینکه فرض کردیم که دیوان محاسبات هیچ حکم نکرده است در خیانت او و حکم کرده است در يك دینی که از سر برای او نیست بهمان حکم برای محکمه جزا که باید استکشاف کرده است يك قرینه و يك بینه بدست بیاورد و در مقام حکومت خودش آن يك شاهدهی باشد برای اثبات يك مطلبی والا بدون اینکه ما بگوئیم يك حکومتی محکمه جزا در این خصوص دارد نباید که اینطور بگوئیم که محکمه جزا آن مطلبی که از طرف دیوان محاسبات باو رجوع شده است آنرا شاهدهی برای خودش قرار می دهد فقط در باره آنچه راجع باو بوده است و با النسبه بحکم جزائی استکشاف کرده است یعنی استکشاف کرده است که آن سند را که داده است تقلبی بوده است این موضوعی که خودش استکشافی کرده است که آن سندی را که داده است تقلبی بوده است باید بمحکمه جزا ارائه بدهد و محکمه جزا باید آن رسیدگی را مأخذ و میزان قرار بدهد آنوقت در مقام محاکمه آن شاهدهی باشد که بطریقیکه در

قانون مجازات مجازات این نمره خیانتها مقرر است حکم بدهد و مجازات بدهد  
**مشیر الدوله** - بنده موافقم فقط می خواستم عرض بکنم که این قدری که مذاکرات می شود برای اینست که وقتیکه يك كاری از دیوان محاسبات رجوع می شود بعدایه معلوم است که در آنجا این مصالحیکه در دیوان محاسبات کشف شده است ترتیبات مرتبی خواهد داشت این رسیدگی دیوان محاسبات جزء دلایل محکم حساب می شود آن ها هم تکلیفی خواهند داشت که حکم خواهند کرد و بنده نمی دانم جهت این مباحثات در اینجا چه چیز است مقصود از این ماده فقط اینست که اگر يك قلب و خیانتی از صاحب جمع مشاهده شود چون دیوان محاسبات خودش نمی تواند مجازات بدهد باید رجوع شود بمحاکمات عدلیه غیر از این مقصودی این ماده ندارد این مذاکرات بی محل است.

**معاذ الملک** - اول با افزودن لفظ محاکمه زیاد شود باید در این رای بگیرییم اگر تصویب شد بعد از آن بماده رای بگیریید.

**رئیس** - پیشنهاد شده است که کلمه محاکمه زیاد شود باید در این رای بگیرییم اگر تصویب شد که فیه والا بدون آن رای گرفته شود - ماده مزبور با اصلاح و اضافه لفظ محاکمه باین مضمون قرائت شد:

ماده ۶۷ - دیوان محاسبات هر گاه در ضمن رسیدگی حساب قلب و خیانتی مشاهده کند مطلب را بتوسط مدعی العموم خود بمدعی العموم عدلیه و بوزارت متبوعه صاحب جمع ابلاغ مینماید برای اینکه موافق قوانین معموله محاکمه و سیاست شود و در چنین موقع باید بمدعیه مدعی العموم دیوان محاسبات نیز خواسته شود.

**رئیس** - حالا رای میگیرییم - کسانیکه موافق هستند باین ماده بطوریکه خوانده شد قیام نمایند (رد شد)

**رئیس** - حالا رای میگیرییم بماده ۶۷ بطریقیکه سابق بود باسقاط لفظ محاکمه بطوریکه در رایورت کمیسیون بود - کسانیکه موافقت قیام نمایند (اغلب قیام و با اکثریت تصویب شد)

**رئیس** - باقی این قانون برای جلسه آتی - دستور روز شنبه رای در باب توقیف ۱۸ هزار تومان بلدییه - بقیه دیوان محاسبات.

**معاذ الملک** - نتیجه انتخابات اعضای کمیسیونهای جلسه قبل - کمیسیون خارجه و حید الملک با ۲۹ رای - کمیسیون قوانین مالیه اسدالله خان با ۲۶ رای - کمیسیون پروگرام آقامیرزا رضای مستوفی با ۲۸ رای.

**حاج عز الملک** - تقاضا میکنم که رایورت کمیسیون بودجه راجع بمخارج مسافرت و نفر شاگردان فارغ التحصیل مدرسه سیاسی که باید بفرنگ بروند در دستور گذاشته شود.

**میرزا امرتضی قلیخان** - طبع و توزیع شده است.  
 مجلس نیم ساعت از شب گذشته ختم شد.

جلسه ۱۹۵

صورت مذاکرات روز شنبه ۲۸ شهر ذی حجه الحرام ۱۳۲۸

مجلس دو ساعت و بیست دقیقه قبل از غروب آفتاب در تحت ریاست آقای ذکاء الملک تشکیل شده صورت جلسه روز شنبه را آقای معاضد الملک قرائت نمود.  
 (قائمین جلسه قبل)

دهخدا - آقا میرزا اسدالله خان - بدون اجازه - آقاسید حسین اردبیلی - حاج وکیل الرعایا با اجازه.

حسن علی خان - مستشار الدوله - ممتاز الدوله آقاسید محمد رضا - دکتر اسمعیل خان - فهیم الملک حاجی مصدق الممالک - حاج آقا - قوام الدوله - سپه دار اعظم - سردار اسعد - آقا میرزا ابراهیم قمی - در موقع مقرر حاضر نشده.

**رئیس** - در باب صورت مجلس ملاحظاتی هست بفرمایند.

(چون اظهاری نشد صورت مجلس را امضاء نمود) رایورت کمیسیون فوائد عامه به عبارت ذیل قرائت شد:

۲۸ ذی حجه نمره ۳۲ از کمیسیون فوائد عامه به مجلس شورای ملی تقاضای وزارت پست و تلگراف راجع به ساختمان یک دستگاه پست خانه و تلگرافخانه در سرحد جلفا در کمیسیون فوائد عامه و پست و تلگراف موضوع مورد بحث قرار داده شد نظر بحفظ شئون دولت کمیسیون ساختمان پستخانه و تلگرافخانه را در سرحد جلفا تصویب نموده تعیین مخارج و مصارف آنرا موقوف بتصویب کمیسیون بودجه میدانند.

**رئیس** - این رایورت کمیسیون فوائد عامه را باید رجوع کنیم بکمیسیون بودجه بعد از آنی که رایورت داد جزء دستور گذاشته خواهد شد.

رایورت کمیسیون بودجه به مضمون ذیل قرائت شد: شرحی از وزارت مالیه رسیده بود مبنی بر اینکه در مجلس شورای ملی رای داده اند که سالی هیجده هزار و شصت و سه تومان بترتیب مقرر ماهیانه بداره بلدییه داده شود ولی تصریح نگردیده است که این میزان فقط برای سنه ماضیه تخاقوی ثیل بوده یا در هذالسنه ایت ثیل هم باید این ترتیب مجری شود و دیگر اینکه چون قانون اداره نواقل از مجلس گذشته است و هابندی آن جمع اداره بلدییه است با داشتن عایدات منظم اداره بلدییه محتاج نخواهد بود با تنگدستی دولت هر ماه مبلغی از مالیات مملکتی را دریافت دارد کمیسیون بودجه در این خصوص مذاکرات نموده و اینطور صلاح میدانند که تا وقتی که قانون مالیات وسائط نقلیه بموقع اجرا گذاشته نشده است بترتیب معمول سابق رفتار نموده و سالی ۱۸۰۶۳ تومان را ماه به ماه وزارت مالیه بدهد ولی هر وقت مالیات نواقل معمول و اخوذ گردید دیگر این مبلغ داده نشود.

**آقامیرزا امرتضی قلیخان** - شرحی است که از وزارت مالیه نوشته اند ( لایحه وزارت مالیه بقراردیل قرائت شد).

مجلس مقدس شورای ملی - در تاریخ سه شنبه بیستم شهر محرم در مجلس مقدس شورای ملی از بابت مصارف اداره بلدییه سالی ۱۸۰۶۳ تومان تصویب شد که بترتیب مقرر ماه به ماه وزارت مالیه بداره بلدییه برساند ولی چون تصریح نشد که این میزان فقط برای سنه ماضیه و تخاقوی ثیل بوده یا در هذالسنه ایت ثیل هم باید این ترتیب مجری و این مبلغ بداره بلدییه داده شود لذا وزارت مالیه در این باب استعلام رای مینماید دیگر اینکه چون قانون اداره نواقل از تصویب مجلس مقدس گذشته و عایدات منظم اداره مزبور محتاج نخواهد بود که ماه به ماه با تنگدستی دولت مبلغی از مالیات را برای مصارف شهری دریافت کند حالاهر طور مقرر و تصویب شود وزارت مالیه از همان قرار معمول میدارد.

**افتخار الواعظین** - آقایان اعضاء کمیسیون بودجه کو با خاطر مبارکشان فراموش شده است که وزارت مالیه وقتی که لایحه تقاضای سالی هیجده هزار تومان از برای بلدییه از طرف وزیر مالیه سابق آقای وثوق الدوله آمده بود بمجلس در همان اوقات هم همین مالیات نواقل در تحت مشاوره و مذاکره بود و شور اول گمان میکنم نشده بود در آنجا بخصوصاً ذکر شد که مجلس این وجه را تصویب کند که وزارت مالیه به بلدییه بدهد برای مصارف بلدییه تا وقتی که این لایحه مالیات وسائط نقلیه از مجلس بگذرد و مجری شود و از برای بلدییه عایدات ترتیبی معین شد از آن روز دیگر آن وجه را وزارت مالیه نیردازد و تعجب میکنم که این جا در رایورت نوشته شده است که وقتیکه مجلس رای داده است معین شده است که برای سال تخاقوی ثیل باشد یا برای سنه ایت ثیل هم باشد خیر گفتگوشد که برای فلان سنه هم باشد و گفتگوی این مخصوصاً در نظر هست و باید در ذیل مذاکرات هم ثبت شده باشد که گفته شده بود که باید وزارت مالیه این ۱۸ هزار و کسری را بلدییه بدهد مادامی که قانون وسائط نقلیه نگذشته است و از آن روزی که گذشت و از برای بلدییه يك يك مالیات وسائط نقلیه معینی مقرر شد از روز دیگر وزارت مالیه این وجه را ندهد.

**ارباب کیخسرو** - بنده تقریباً اینجا يك بام و دو هوا می بینیم یک وقتی اینجا در باب بلدییه اظهاراتی کردند وزیر مالیه وعده ای داده اند که پیشنهادی خواهند کرد کلیتاً برای انفصال بلدی حالاً بنده کاری بآن سؤال وجواب ندارم که اثری ندارد لیکن باید دانست این بولی که داده می شود برای مصارفی باید داده میشود یا همین مجاناً يك بولی گرفته شود فقط بنده از مخبرین محترم کمیسیون سؤال میکنم بچه نظر این بول را تصویب کرده اند آنخدمتی که بلدییه کرده است کدام است؟ میدانیم که در آن دوره مشروطیت سابق بلدییه يك خدمتی کردند و چراغهای کهنه گاز را برداشته و چراغ برق گذاشته اند ولی از ابتدای این دوره جدید نفهمیدیم بلدییه چه کرده است مگر اینکه هر جا درختی بود انداخته است و صاحبان خانه ها هم درختهایی که در حریم خانه خودشان داشتند از ترس انداختند این خدمتی است که در این شهر کرده است بلدییه که خدمتی دیگر نکرده است بعقیده بنده